

قواعد الهذائيت

تفتیش در این کتاب
 تاریخ از سال ۱۲۸۵
 ارجاع



اگر عورت حامله در رسول مخبر
 مخبر مذکور دوازده ماهی دارد
 گویند اگر در نیم قرن رسول مخبر مذکور
 شود آن هم با آنکه نه شود اگر با
 امرانا یا خانها یا نوکر کردگار
 بر آید بداند میزد اگر در همه



بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و سپاس و حمد بقیامت مرصع شد که نقاش قدرت او بهر کار
نصیر و بقلم تقدیر صفحات افلاک را پدید آید ^{سب}تو اقب و نوابت ^{سب}مبارک
که و لقد زینا السماء الدنيا بزينة الكواكب و حکیمی که از ادوار و ابر
نظرات کواکب بر روی کره خالک رقم زده خطوط وجودات را
از ذرات معدومات بر کشیده و در خلقت نبیه احسن تقویم نوع
انسانی را مشرف تشریف تعلیم و تکریم احسان از مقدار خالک بی اعتبار
میاورید که انا خلقناهم من طین لازله که اقباب جهات پاپ

که پیر اعظم و شاه کشور انجمن است بر جهان بالش هکلت روز سلطه
نشانند و الشمس تجری لسنقرها هکلت تقدیر الیوم و اینست ماهی که
نیز اصغر شب عکس پذیر صدف افوار لو کرد ایند و بتختگاه
بخلاف نصب کرد که و جَوَل الشمس سراجاً و قراً صیلاً و درود
نامعدود بران نیز برج هدایت و اختراع رسالت و صاحب
مقام محمود که اول ما خلق الله نوری حدیث زبان روشن بیان
اوست و لولا که لما خلقت الافلاك خطاب رب الارباب
شأن اوست و مصباح افوار نبوت دوی از کنوز و درجی از دقایق
دو قاین رموز اوست و مفتاح اسرار رسالت رمزی از جنایات
خزاین او مژده شجره رسالتش که ان الله و ملائکته یصلون علی
و توفیق رفیع نبوتش که ما کان محمد اباً احد من رجالکم و لکن رسول
الله و خاتم النبیین همان خورشید گردون رسالت همان
حمید ابوان جلالت جهان حد ابوالقاسم محمدی محل فضل و نور
عشق برمد سر هکلت عیدان و قار سیم سار جمیع انوار
و شرع خود نبوت را دینی کرد جزو راه دنیا هفت روزی دوا آسایش

شرع او ختم جهان است شریعتها بدان منسوخ از آن است
شمارگان قدر سارچینش همه هاشمی افتاب قرین و برال و اصحاب
فرخ قال و رخنه مال الحضرت باد که از جهت احکام دین مبین
و استحکام اعلام شرع متین در مشرق اقامت و مستقر کرامت
ممکن اند صلوات الله و سلامه جمیع اما بعد بدان ارشاد
الله نغم که علم حکمت بر سه قسم است علم طبیعی علم ریاضی بر چهار
است هیت و دله و هندسه و موسیقی و فروع ریاضی بسیار است
ادانچه علم نجوم و هر مل بسی شریف است و فوائد بسیار در علم ریاضیات
و ادانات و اخبار در میان آن و از دیگر کتب خداوندان عیاس و ایت
کرده از سرور کائنات و خلاصه موجودات بدر فکات اصطفا
محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم که شخصی سوال کرد که جمعی با
می بینم که در هر مل خطی چند میکشند و بر آن حکمی چند میکنند چگونه
است این حضرت فرمودند که این خط بر مل معجز است از پیغمبران
گذشته و از نیست از انا و حق و این حدیث زبان معجز بیان حق و
تلفظ فرمودند که هو الله من جملة الانام التي في كتاب العزيز قوله

و این ابراهیم که به نزد است بر حجت این علم است و بکتاب الله من قبل

هذا و انارة من علم انكتم صادقین و همچنین

از حضرت رسالت بنیه محمدی با سند صحیح مرویست که فرموده

که ان نبیا من الانبیاء کان یخط فی الرمل من وافی خطه فقد اصاب

صدق رسول الله ص و از حضرت امیر المومنین علی علیه السلام

است که فرموده اند که الم تر ان الله تبارک و تعالی افاض علی ادريس علمه

و الله علم فقط بفضله و اوحی الیه مشکلا از فحواي کلام معجز نظام

محموی علیه الصلوة و السلام مستفاد میشود که این علم شریف معجز

حضرت و انبیا است علی بنینا علیه السلام و از کلام بلاغت الخاتم

حضرت امیر المومنین علی علیه السلام مفهوم میگردد که حضرت

احمد ربیب علی بنینا و علیه السلام بعلم رمل و هندسه و نجوم ملهم شده

و بسبب هذا اعجاز رسالته و هر که سعادت ابدی و بقای سرمدی

دستگیر شود از این علم نصیبی باید و انانها شود که و من یوقی حکمه

فقد اوی جبر کثیر از نشان انبیا نازل شده و آنچه مشهور است

میان علمای این فن است که علم رمل منسوب به معجز هفت معجز

اول بحضرت ادم صلی الله دوم شریف سیوم ابراهیم چهارم
 ابراهیم پنجم اسحاق ششم لقمان و هفتم بحضرت دانیال است علی
 نبینا و علیهم السلام چنین گوید نگارنده ابن معانی حضرت خلق الله
 هدایت الله المشهور بر عظیم شیرازی عفو الله ذلونه که مدت مدید
 وعهدده بعید چون باد صبا گرد جهان گردیده و با هر یک از اصحاب
 علم و عمل که در علم رمل و نجوم و خواص اسما و ظروف و نقاط بی بد
 و بدانش مثل بودند محاوره و مجالست نموده در مجلس افاده
 شریک از ایشان که در فهم و فراست و ذهن و کیاست نادر و در
 دو چندان بودند قاعده غریب و نکته عجیب استفاده نموده و گفته
 بعل او رده بحر به کرده و انجم محرب و معقول بوده مزجیره نموده چون
 عمر نزدیک با خزر رسیده در این اوقات خواست که در علم رمل
 چند کلمه بنویسد قلم بر قلم نهد تا کفایت و حقیقت این علم شریف و طایف
 مرقوم کار در اقطار و امصار ظاهر شود و ایشان از آن بحث چیرانی
 و تیر سرگردانی مخفی حاصل شود و بر حکم شان بر هدف مراد آید
 و سوالی که نام یام از ایشان نمایند از مجروری بقدرت جواب آید نمایند

تا قدر و قیمت این علم شریف لطیف که از میان خواص و عوام حاکم بر طرف
پسندیده ظاهر و هویدا گردد و اعجاز انبیاء بر همکنان پوشیده محفی نماید
و الله ولی التوفیق التماس از مکارم اخلاق و مراسم شفاق اهل این
فی آنکه اگر بر سهوی یا خطائی اطلاع یابند از روی کرم انرا اصلاح
فرمایند فیض روح القدس را باز مدد فرمایند دیگران هم بکنند
انچه میجامیکرد این در زبانی و جواهر کرامی موشخ ساخت بنام نامی
اسم سامی اعلی حضرت کیوان رفعت مشرقی منزلت خورشید طلعت
که همیشه نجوم دولت و اقبالش از و ابرج حشمت و جاه و جلال تابان
و عالی رتبتی که او صاف معدلت و احسانش بیشتر از عدد در حل
سیاهان بادشاهی که لمع خورشید اوزیر قوی از فروغ عارض منور است
و شکل هلالی فر صورت جنبی از جبین مهر کسراوست شاه ستاره
سپاه سلیمان جاه گردون سر بر نیز با مکان و خاقان فلک قدحشید
شان اسما حشمت و شوکت را ماهی تمام و آوران جلالت و عظمت
شاهی عالی مقام فریدون حشمتی جنبید جامی سکندر صوق داد اسپاه
نه ز عدالتش چون خزان مهرش بیکجا جمع گشته آب و آتش بر فلک

شجاعت و بسالت سعد سپهر ایت و جلالت خاقان الخاقین
سلطان المشرقین شهنشاهی که قامت اعتدال انبش در صفحہ عالم
الفیت یکتا و در چین خلافت و رافت سر ویت بی همتا کریم
الذاتی که از بر توافاق انعام جامش افطار افاف روشن کشته
و سحاب اساز فیض انارش عرصه هامون گلشن شده ظل الله
فی الارضین قهرمان الما و الطین خلف اخلاف السلاطین السلطان
ابن السلطان ابو المظفر جلال الدین محمد اکبر بادشاه غازي خلد
الله مکه و سلطانه اللهم وال من و آله و عاده من عاده و اخذ من
خذه و انصر من نصره امید که منظور نظر کیمیا انوار علی حضرت قدس
اشرف اللطیف هایون کشته و از نظر کینه در جاسدان زمان محض
ماند و طالبان صادق و دوستان موافق از ان محفوظ و بهره مند گردند
اننجیب الدعوة بدان اید که الله تعالی که این علم شریف در اقصای
عالم متفرقت و بیچاره قاعده مستعمل است اهل هند و خراسان
و ماوراءالنهر و تمام مشرق زمین بقاعده دایره ابدح و سخنان شجر
عمل میکنند و این قواعد را مشرق الرمل نامیده ایم و اهل فارس معرفت

تاکید آن و مثل بقاعده و ابره سکن و قانون مطابق احکام بیان می نمایند
و این قواعد را شمال الرمل گفته ایم و اهل مغرب و مصر و شام و حبش
عربستان و بایره بزوج سخنان دارند و این قواعد را مغرب الرمل
نامیده ایم و قاعده دیگر هست که تا غایت مستور بوده بواسطه
اخلاق و آن قاعده بایره اصح است و این قواعد را جنوب الرمل
گفته ایم و خاصان در هر جا بان اظهار کشف و کرامات نموده اند
مثل حضرة سید محمد نور بخش و غیره و بعضی از اهل علم مثل جناب
ذی القعدة و سید محمد و سید احمد و سید اسد الدین و سید عبد الله
المشهور بعبد الله اولیا غفر الله ذنوبه در این قاعده تصدیق
فرموده اند مسمی بر باض الطالبین و شمه از این قاعده بیان فرموده اند
از حضرت شیخ حاجی حسن طوسی که در شیخ حسن و غزالی و غیره از
مصنفات ایشان است و قاضی عبدالرحمن اجنی در کتاب اشجار
آورده اند که مشاهد الیه گفته که من علم برمل که معجزه حضرت دانیا
کنیده اند و از حضرت جبرئیل علیه السلام تعلیم گرفته تا جمیع قواعد
و قانون قاضی عبدالرحمن اجنی از حضرت شیخ حاجی حسن طوسی

و نسخه موسوم بمفتاح الکنوز مرتب نموده اند بر نحوی که از قواعد و مسائل
 جمهری سه قاعده مذکور یک حرف در آن نسخه نیست بلکه قانون دیگر
 و قواعد مضبوط محکم محکم الحی اساس علم رملین کتاب است
 و مولف این رساله هدایت الله مدت سی سال خدمت اسناد آن
 کرده و کلمه کلمه از این قواعد شریف که در این عرصه بسم کسی نرسید
 برداشتن چون فی الجمله و قوفی حاصل نمود و حیف دانست که
 مسایل لطیف شریف بسم دوستان و طالبان نرساند از این سبب
 در سنه موافق فروردی ماه الهی ۱۲۰۲ مطابق فروردی ماه جمادی
 سنه ۱۲۰۳ مع ملک شاهی و موافق یازدهم از ماه رومی سنه ۱۲۰۳ اسکندریه
 مطابق بت و چهارم مرداد ماه قدیم سنه ۱۲۰۳ نیز در رومی و موافق
 نوزدهم ترکیه سنه ۱۲۰۳ غار اینیه این قواعد مذکور بان سه قاعده
 مذکور ترتیب داده و در طی این کتاب درج کرد تا اگر سایل از این
 قاعده سوال کند بر مال بان قاعده برده حقا از چهره مراد کناید
 و مدعا و مقصود حسب المراد حاصل نمود و این کتاب مسیحت
 بقواعد الهدایت و درین مختصر انچه خلاصه آن چهار قاعده مذکور

است بانیادی چند آورده تا هر کسی که اندک وقوفی از رمل حاصل
نموده باشد مطالعه نماید بر جمع سرایر و ضمایر مطلع گردد و دیگر
کسیکه در عالم خفاست حال خود و فرزندان خود بداند و معلوم
نماید که هر يك در كجا اند و در چه كار اند آدم صفي علی نبینا و
السلام بود و حضرت جبرئیل اورا تعلیم نمود و همچنین از او بیخ
سیغیر که سابقا مذکور شد رسید و باز این علم مدت مدیدی
اهل عالم مخفی ماند تا زمانی که حضرت رب العزت و حی قیوم
بحضرت دانیال علیه السلام در مصر که دعوی رسالت نمود و اورا
چون معجزی نبود اغدا و مخالفین بقصد او اقدام نمود حضرت
تثعوبیا هجرت نموده در میان ریان و ان پناه گرفت در آن
صحرا دشت شب و روز جران بود تا ضعف و کمرنگی بسیار پاش
واقع شد بنا لید **مرکب** احدیت تا جبرئیل علیه السلام فرود آمد
علم با و نمود بان طریق که چهار نقطه بر ریان نهادند و بعضی گویند
که يك نقطه چهار گوشه بود عرض نمودند که هر نقطه با هر گوشه
نمنا به مرکز و عنصر است یعنی نقطه اول انس باشد و نقطه دوم باد

دو نسخ در مطبع حضرت ذنبال

و از ذات عتبه الخارج شناوریم فرموده اند و چون این حروف
 ترکیب نمودیم اسم سر خطاب بیرون آمد و آنکه گفته اند یک هزار
 کوسفند داری از عدد عتبه الداخل فرموده اند چرا که او شکل
 اللف است و الحال در امهات در خانه عدد خود تکرار نموده و
 نیز او شکل جوان اهل بیت و باین دلیل کوسفند فرموده اند و آنکه
 عدد چهار صد گفته اند از شکل بیاض گفته اند چرا که او شکل حاد
 در دایره بزوح و ابداع صاحب خانه چهارم است و الحال در بایزیم
 که بر تسمیه ماب است فراد دارد پس عدد و چهار صد باین دلیل فرمود
 اند و عدد هفتاد نیز از آنکس فرموده اند که او در دایره سکن ضا
 خانه هفتم و مرتبه عدد او از مراتب عشرات است و خود باین شکل
 عشرات است و هفت که بعشرات برند هفتاد میشود چنانکه هزار
 و چهار صد و هفتاد کوسفند از این عدد ها فرموده اند و آنکه
 فرموده اند که کوسفند کوهی سه راس داری از عدد و چنان گفته اند
 که در اصل در باطن بدایره ابداع در دوم پیدا میشود و چنان
 فرمود سه عدد داریم و دیگران که در اصل در دوم بود و در

دوازدهم نیز تکرار نمود و در هر میل باطن در پنجم نیز پیدا شد چون در حین
ظاهر شد پس سه راس بوده شد و اینکه فرموده که هفت کا و دوازده
از عدد انگلیسی گفته اند که اول شکل عشرات است و الحال در اول
که احاد است آمده و عدد هفتاد که با حاد بر ندهفت می شود
پس عدد هفت کا و از آنجا فرموده اند و اینکه گفته اند باز ده
مراس دراز گوش داری نیز از اعداد انگلیسی اول گفته اند چرا که او
در اول هشت عدد دارد و هفت خانه که نیز نقل کرده پس باین
دلیل باز ده عدد باشد و باز ده مراسم دراز گوش از این عدد فرموده
اند و اینکه گفته اند برادری و در سفر است از شکل بیاض فرموده
اند چرا که بدایره عنصر الحاد صاحب خانه سیوم است و سیوم خانه
برادریست و اینکه گفته اند که در سفر است از جهت آنکه بیاض
که برادر است در بازویم که خانه سفر برادر است قرار دارد پس برادر
در سفر باشد باین دلیل و اینکه گفته اند عاشق و خمر خطای شده
از نظر الداخل هفتم گفته اند چرا که پنجم برادر است و خانه پنجم یعنی
و محبت مشروط و نظر الداخل شکل موش است باین دلیل

گفته اند و اینکه فرموده اند که دختر خطابت بواسطه شکل مشغری
 و اینکه گفته اند اسم او طیفالست از فرج نهم گفته اند که فرج در نهم
 دارد و لجان در دهم می دارد و الف در ذات لجان است و
 قبض الخارج از حروف غ دارد و در دایره ون در ذات عقده
 هست و عقده در اول رمل باطن قرار دارد پس مجموع حروف که تر
 کردیم اسم طیفان بیرون آمد و از این قسم سخنان بسیار گفتند تا
 شهرت کردند و دیگر تاجری نزد ایشان آمد و از فرزندان احوال
 کم شده خود پرسید فرموده اند که بسرت با دختر احمد نایب در مکان
 خرابه با هم جمع بودند پدر دختر واقف گشته هر دو را کشته و در فلا
 جاها انداخته رمل ظاهر دوم که حضرت و انبال علیه السلام کشیده
 اول آنکه اسم احمد گفته
 اند شرح دهم الف
 در ذات لجان چهارم است و حرف
 دال از این خانه نیز گفته اند و
 دوم از شکل بیاض هفتم گفته اند که بیاض صاحب خانه چهارم است

در دهم و اول در نهم

محب دایره ابداع و چهارم مرتبه احاد است و الحال در هفتم که مرتبه
عشرات است آمده و چهار که لغزشات برند چهل میشود و چهل
است پس چون اینجوف ترکیب کردیم اسم احمد بیرون آمده و آنکه
فرموده اند که در مکان خرابه بایم بودند از هشتم گفته اند چرا که
خرابه به منسوب است و نیز دلیل دیگر آنکه در هشتم آمده و شریک
و رفیق و هفتم است و بیاض مونت است و نقطه اب داماد که
انصال است پس در این مکان خرابه بایم جمع شده باشند و انصال
شده و آنکه گفته اند که پدر دختر واقف گشته از آنجا گفته اند که شخصی
و صد او است و مونت بوده و میل انصال بایم را داشته و میسر شده
از عرض پدر دختر را خبر کرده و پدر واقف گشته هر دو را گشته باین
دلیل گفته اند که بدایره سکن صاحب خانه باز دهم است و الحال در
پنجم که خانه فرزند است آمده و صد فرزند است چرا که این دهم
فرزند است که خانه هفتم خانه صد او و شریک است چرا که بدایره سکن
صاحب خانه دوازدهم است و الحال در هشتم سمل آمده پس باین انقاد
نمایند باین دلیل گفته که باین خود آمده و صاحب خانه باز دهم است

و با صاحب خانه پنجم که است بدایره سکن ضرب کردیم می شود
در هشتم که خانه خوف و صوت است آمده و نیز دلیل دیگر آنکه
در هشتم نیز ایل خود آمده و قرار گرفته پس باین دلایل هر دو را
گفته باشند و دلیل دیگر آنکه که شکل قتل و خون است باشد
فراز گفته و دلیل دیگر آنکه که شکل یازدهم است و الحال
در یازدهم خودش آمده و باز در هم خانه نیز ایل است و نیز
یازدهم که در دایره سکن صاحب چهاردهم است و الحال در چهاردهم
خود آمده که هم نیز ایل است پس دلیل دیگر آنکه با صاحب خانه
یازدهم که است همتین گفته پس دهم و یازدهم هر دو
نیز اید اب افتاده اند و هر دو در هم که ضرب کردیم از هر دو شکل
هم رسید و در دایره سکن صاحب خانه هشتم است و الحال
در هشتم و نهم آمده و مل که چهاردهم خودش باشد و چهاردهم
خانه نیز ایل است پس باین دلیل هر دو ضایع و گفته شده باشد
و اینکه گفته اند که در جاه انداخته اند از این دو شکل فرمود
اند که هر دو شکل هر نیز اید ات خود آمده و نیز اید ات نیز نمی
است

در هم جا باین دلایل گفته اند که هر دو در جاه انداخته تا واضح

باشد ای عزیز بدانکه از زمان حضرت دانیال پیغمتر نبغات

هیچکس بر این دو رمل شرح نتوانسته اند نوشت و مصنف

این کتاب هدایت الله حل مسائل نموده و شرح باین رملها

نوشته ظاهر ساخته که حضرت دانیال چه نوع احکام بیان

میفرموده اند و از این قسم رملها از جهت مردم کشیده اند

و احکام بیان میفرموده اند تا شهرت گردند و این اخبار بسمع

بادشاه رسید شمعونیا را طلب نمودند و بر سر چاه رفتند و کشتیا

را از چاه بیرون آوردند و مردم بسیار معتقد شدند و بادشاه

نیز خوابی دیده بود و فراموش نموده بود حضرت دانیال فرمودند

که در خواب دیده بودید که طعامهای شما حاضر نموده بودند و

سکی سیاه آمده و دهان در طعام خاص نهاد و میفرمود میخارج

و شما از هبیت و دهشت آن از خواب بیدار شدید و خواب

فراموش شد اکنون بفرما تا جمیع عورات که در حرم اند چادر

پوشیده در گذار ایند چون چنین کردند غلامی که خود را بشکل

کنیزی انرا ستم بود و با کنیز خاص خلوت میساخت و انرا نشان دادند
و او را گرفتند و قصاص نمودند انرا انقسم معجزات بسیار می نمودند
تا جمعی از اعیان در گاه با پسر پادشاه ابن علم از حضرت دایال
اموختند و همیشه با پادشاه می بودند تا روزی پادشاه خوشحال
با جماعت مذکور خلوت داشتند و سخنی از علم رمل و معجزات شیخ
میکز نشن پادشاه گفت که در عهد ما ابا دروینا پیغمبری باشد
همه مجمع باین بیت رمل کشیدند و حکم نمود که پیغمبری هست و در
حکایت ماست بلکه در باغ ماست و در مجلس ماست و استاد
ماست و اسم او شمعونیا است و باین شکل است و البته پیغمبر نیست
که حاضر است همه ایمان آوردند و مسلمان شدند و منادی برخ
تا خلق مصر حاضر شدند و معجزات را دیدند و مسلمان شدند
و صیت بنو حضرت در عالم منتشر شد و همه کس ایمان آوردند
چون پیغمبری حضرت ثابت شد و قراباف حضرت شمعون
نقاط زوج و فرد رمل را تمام شمرند ۶۷ بود بخاطر رسانیدند
که مانا اسمی می باید که موافق این عدد باشد و اسم شمعونیا چهار صد

و هفتاد و هفت بود برین طریق ۹۷ پس بحکم این عمل کبریا سر
 گذاشتم و منی انداختم و از جهل گذشتیم و آنچه باقی مانده بود
 و نشش بود که موافق این اسم دانیال است و اسم قدیم حضرت
 دانیال شمعونیا بوده و آنحضرت اسم خود را دانیال نمودند و مشهور
 بدانیال شدند و چون کسی خواهد که این علم بر او کشف شود و
 مرتبه یابد کبر و منی از سر بنهد و ترک جهان نماید تا این علم بر او
 شود و نیز این علم را علم باطن دل گویند و علم وافی نیز گویند و علم
 موهوم نامند و نمونیز بان یونانی سریات سروانرا گویند و علم کامل نیز
 گویند و این اسمها تمام ۹۷ عدد و از این علم اکثران نیز گویند و اکثران
 نیز گویند و اکثران اسم جمع عدد کنند این علم شریف بود و روزی
 کنار بحر مغرب بنویسند این علم مشغول بود حضرت جبرئیل با و
 ظاهر شد و سوال نمود که جبرئیل در کجاست او رمل کشید و گفت
 تمام زمین و آسمان دیدم در هیچ جا نیست و در نزد من حاضر است
 و آن نوی با مرا تله نعم جبرئیل بر او راقهای او نزد تمام حجاب
 و کوسفند آن از آب آب و بعضی از آن اوراق حور شدند و از آن
 شانه

در شمعونیا
 و نمونیز بان
 و نمونیز بان
 و نمونیز بان

کسر

۱۱
 کوهستان ظاهر شد و از آن اوراق طوماری بدست حکیمی که
 طالب این علم بود افتاد و این کتابها که در عالم است از آن طومار
 نوشته شد و حضرت حاجی بن طوسی از حضرت قاضی عبدالرحمن
 جنبی امیرت و اکثر رسائل آن در کتاب درج است و این کتاب
 از بیاه نسخه معتبر انتخاب نموده نوشته و اسامی کتابها اینست
 ۱ مضاعف الکنوز ۲ کنزالدقایق ۳ شجره و نوره ۴ شامل المحصول
 ۵ مخزنهای ۶ اصول الرمل ۷ عین الرمل ۸ شمع الرمل ۹ مفتاح
 مفاتیح ۱۰ وافی ۱۱ سی باب ۱۲ فصول ۱۳ ابواب ۱۴ اواره ۱۵ اقلید
 ۱۶ طرابلسی ۱۷ روشنی ۱۸ رساله کله ۱۹ کنوز ۲۰ کشف الاسرار
 ۲۱ جامع الاسرار ۲۲ تلخیص ۲۳ رساله ابوالعباس ۲۴ منهاج الاستی
 ۲۵ جامع الکفایه ۲۶ خلاصه ۲۷ خلاصه البحرین ۲۸ تهذیب ۲۹
 ذخیره ۳۰ مزبده ۳۱ نتیجه العلوم ۳۲ قواعد ۳۳ نزهت العقول
 ۳۴ جامع ۳۵ کامل امام حسن قفال ۳۶ ریاض الطالبین ۳۷ شجره
 اوراق ۳۸ سایر الاولیا ۳۹ مصباح ۴۰ مضاعف ۴۱ هدايت المقط
 ۴۲ رساله سرخاب ۴۳ بیابانکی ۴۴ بالکوه ۴۵ توضیح التلویح

۴۶ تصنیف ملا شاه ۴۷ تقویم الرمل ۴۸ اصل مفاتیح ۴۹ تزیین الرمل
۵۰ کامل الحصول ۵۱ جهان الرمل بدان ای عزیز من که این کتاب مشتمل
است بر مقدمه و چهار جهت مقدمه منقسم است بر چهار فصل
فصل اول در شرایط الرمل فصل دوم در قاعده نقطه ریختن بطریق
فوتی که جبرئیل علیه السلام بحضرت دانیال ۳ تعلیم نمود و ساختن
نقش قرع بر دایره که خواهند فصل سوم عمل در پیوسته الرمل نمودن
و تولد اشکال فصل چهارم در اصل احکام و جداول مراتب جهت
اول در دایره قاعده سکن که شمال الرمل گفته ایم و دور نقطه
جهت دوم در قواعد شجره و ابداع و سایر الاولیا و قواعد علامه
سمس محمد خضر یا و فرج آنکه مشرق الرمل نامیده ایم و آن بر دو باب
است باب اول اول در قانون شجره و سرخاب باب دوم
در طریق اسم بیرون آوردن جهت سوم که انرا مغرب الرمل
گفته ایم مشتمل بر پاژده باب است و در محل خود بتفصیل گفته
خواهد شد جهت چهارم بقاعده دایره اصح که انرا جنوب
الرمل نامیده ایم و شش آن استاد حاج حسین طبسی رحه و آن مشتمل

برشش باب است باب اول در شرایط رمل ۱ با وضو بودن ۲
 و دویم مقابل قبله نشستن ۳ بذكر لا اله الا الله مشغول بودن
 بدل صاف ۴ بر دوزانو نشستن ۵ خاطر خود را متوجه بنت
 سایل نمودن ۶ از الله سبحانه و تعالی مدد خواستن تا نقش قرعه
 موافق بنت سایل نشیند ۷ مراعات نجوم نمودن که قرعه در عقب
 و طبقه و بست و تحت الشعاع و مع ذنب و مع کبد و کسوف
 و خسوف نباشد و مکان رمل پاکیزه و روشن بود و مکاره و نظر
 نباشد مثل سنگ و خاک و گرگ و مار و کژدم و جنب و حایض و
 فاسق در آن مجلس نباشد و از جهت منکران و عیثان رمل نکند
 که فرموده اند لا یصدق الرمل الا من المصطر یعنی کسیکه ضرورت
 ندارد و امتحان رمل میکند رمل درست می آید و از جهت معتقدان
 درست می آید و باید که رمل نکوبد تا علم با و راست آید و دست
 دهد و منقش نکند و اگر مجبوی نزد او آید بجهت دیدن رمل باید که
 با و طمع نکند اگر چه بی شوهر باشد و دل را متوجه بنت قرعه دراز
 با و دل متوجه بنت باشد و رمل درست آید و بر رمل فرعون

و عین فرض است که در محل بیت نمودن سایل سورة فاتحه و ابه
الکرسی و سورة اذا نزلت بخواند باین آیه کریمه و عنده صفایه
الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقه
الا یعلمها و لاجبه فی ظلمات الارض و لا یطیب و لا یابس الا فی
کتاب مبین ایند عا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلك
بکل اسم دعاک به احد من خلقک قایما او قاعدا او را کعابا او
ساجدا فی البر و البحر و فی سبع السموات و الارض و المنايا و العرفا
و عنده مقام ابراهیم و بیت الحرام فی خلأ او ملأ و فی ظلمت اللیل
و ضوء النهار فسمعت نداوه و کشف بذاوه فانی اسئلك ان
ترانی حاجتی فی هذه المخطر یحول منک و قوتک انک علی کل
شیء علیم الا ان یتبین لی هذه الضمیر و صلی الله علی محمد و العا جمیع
والجبه ادر بخته رمل نویسد و خوانند ابیت اثرا بدأ بدأ بر تان
میر تان غمت و اوقات رمل کشیدن از روزهای آنچه بد است
ابیت سه و پنج و سیزده با شانزده لبست و لبست با لبست
و چار و لبست پنج و باقی خوبست بطالع جوزا و سنبله و بطالع

۱۳
 سال و عالم و ساعت عطارد و قمر برج مذکور و نظر عطارد و مشتری
 و زهره و غیرهای ماه و اول فصل و اول سال عند هویل شمس
 محال که رسم است و بهتر آنکه بطالع سایل رمل کشند تا راست
 آید و نیز باید که سایل ابای در خط طرک کرده که در نزد فلان رمل
 رمل خواهم کشید و در مجلس بالفور رمل کشیدن احکام من فحکم
 نیست و آید رمل کشیدن که استکشاف احوال و کیفیت حال
 اشغال و اعمال نزد اهل کمال امری ضروری است چنانکه
 از رسیدن خیر و نیکی و سعادت و عجز و شکر و استقبال از نایب
 بمقتضای ایت کریمه *لئن شکرتم لازیدنکم قضا عفت حنمت*
 مال و تزیاید دولت و اقبال لازم آید و از رسیدن مکاره بدو
 و صدقات و طاعات اشتغال نماید تا از شران محفوظ ماند که
الصدقة تفرج البلاء و نیز *ید فی الغمر* و بنا بر وصول این قواعد شناختن
 کیفیت احوال مطلوب عموم خلاص این بتخصیص از باب عقل و حجت
 افضل را از علومی که این مقاصد از آن بسهولت محصل گردد و علم
 رمل است که هرگاه که خواهد که کیفیت وضعی از اوضاع اطلاع

بایند بنی مادن و خاطر صافی توجه نمایند یا از قرع یا از ریختن
نقطه وضعی مناسب و مشاغل صورت محفوظ ظاهر شود بر هر که
عالم باشد بدلیل و ارشد و بر تفسیر آن واقف شود اخبار را و مطا
تقدیر باشد انشاء الله تعالی فصل دوم در نقطه ریختن و ریختن
نقطه چنین است که اگر بر یک نقطه ریزند مثل بر یکی برست
گرفته یا اگر بر کاغذ ریزند قلم بردست گرفته و ثبت نمایند و از
جانب چپ ابتدای نقطه کند نوعی که از شانزده کسری باشند
و از چهل و پنج بیشتر نبود که $\equiv$ است یا خانهای ۶۰ که چرا که اکثر
لحیان دو است و باد او که زوجیت چهار و اب او که زوجیت
هشت و خاک لحيان که زوجیت شانزده چرا که زوج و زوجین
فرد حساب میکنند و شانزده عدد خانها جمله چهل و پنج باشد
و باید که چهار سطر باشد بطریق قوسی چنین که نموده میشود انگا
سطر اول ۲ و ۲ طرح بکنند و باز ۴ و ۴ طرح کنند و دیگر بار
۱ و ۱ طرح کند و دیگر بار ۱ و ۱ طرح کنند تا یات شکل از
سطر اول حاصل شود و باقی برانقیاس رمل قوسی این است



که مثل بان عمل میکند مثلاً فرعه بزرجی که در جمیع بلاد مغرب متداول
 است و عام شده شکل $\equiv$ باید که از پنجه هر دو $\equiv$ حاصل
 شود و در دایره بزرج شکل با نوزدهم است و فرعه ابدی $\equiv$
 و $\equiv$ باید و در دایره سکن و اهی $\equiv$ و $\equiv$ مناسب است و این
 در هیچ نسخه نیست و بنات دریاب و $\equiv$ را مقدم دارند و شکلی
 که با وضرب کنی از پنجه شکل $\equiv$ حاصل شود و طریقش اینست که
 عموده شد $\equiv$ داریم آئین حکمت امروزی تا اگر الحجت تا اگر دوزی
 و بیاید دانست که هر علمی را موضوعیست و موضوع علم مثل نقطه
 چهار گانه است که هر نقطه بمثابة مرکز عنصری از عناصر اربعه دانسته
 اند و در این علم بحث از بابت نقطه فرد یا دو نقطه فرد که ترکیب
 شده مزوج میگویند و از ترکیب چهار فرد یا چهار مزوج یا زوج
 یا فرد شکلی حاصل شود مزوج را عدم گیرند و فرد را وجود خوانند
 و اشکال حافظه مرتبه نقاط اند و چون عناصر چهار گانه را جمع
 آن شکل حاصل شود و از اطرین خوانند و $\equiv$ در $\equiv$ شانزدهم
 شود پس $\equiv$ شکل $\equiv$ خانه باشد و نقطه اول از شکل طریقاً

مرکزانش داشته اند و نقطه ۲ باد و نقطه ۳ آب و نقطه ۴ خاک
چنین آتش و چون مضاعف کنند چنین ۲ باد شود
۳ آب شود

۴ خاک نقطه آب است ۴ جماعت خوا^{ند}
و مثل آدم است و جماعت مثل حواست و چهارده فرزند و فرز^{ند}
زاده از این هر دو حاصل میشوند و هم در شانزده خانه قرار میکنند
و هر خانه چند چیز از اشیاء دارند و ایشان صاحبان اشیاء اند و از
خانه خود اگر نقل نمایند و خانه دیگری روند اشیای خود همراه و
صاحب اشیای آنخانه هم هستند پس رجال حادق باید که عقل
خود را استاد خود سازد و بداند که این چنین شکلی باین صفت با^ن
چنین خانه آمده چه فعل میکند کدام میگذارد و کدام میگیرد و
جواب سایل چه نوع باید گفت که گفته اند که عالم بخوم منک و منها
و بیوت محل اشکال اند و شکل و خانه هم ترکیب نموده مصور

میشود تا مبتدی را اسان باشد بدین صورت نیک در باب
اول و حیان و حمره نصره الخاج بلض قبض خلیج اجتماع هم عتبه خارج است

باز عقله قطن داخل فرج نصفه داخله نفی عدم داخله جماعت بیست
 رمل ۱۴ دروازه رمل ۱ عاقبت جمیع کارها ۱۶ مثل ذلک
 و جمیع حالات این عالم با این شهر را باید دید که اگر کلی خانه باشد
 و تمام خانه را باید دید و اگر سوال از یک خانه باشد بان خانه
 باید رفت و از شواهد و مواظرات و تسدیس و تشریح و مقابله و مقارن
 افغانه سخن بیرون آورد و حکم یک سوال نمود بشرط امتزاج و انشراح
 و ظاهر و باطن سعد و نحس و داخل و خارج و منقلب و ثابت
 و نور و ظلمت و وجود و عدم و از احکام جواب سایل بر طبق مراد
 باید گفت و اگر مال نیم ساعت بخوفی در یک رمل فکر نماید که
 بگوید و آنچه در عالم و آدم موجود است و بدان احتیاج است از
 علم شریف توان گفت و جمیع علوم از کیمیا و سیمیا و جفر و استخراج
 کواکب و سیر هر یک از این علم لطیف حاصل است و جستن اولیا
 و منازل و مقابر ایشان مثال حکیمی علم اکبر را خوب میدانست با
 مرالی مصاحب شد با هم شرط نمودند که همدگر را از علمی که دارند
 با خبر سازند چون اکبری اکثر مسائل مرالی از مرالی آموخت و تصویق

کرد که تمام امروخته گفت که من علم بر من را موختم اکنون تا محلی که
 فرصتی پیدا شود من بتو علم عزیز اکسیر بیا موزم بر حال متامل شده
 گفت من غلط کردم که از تو این علم طلب کردم در حال چند روز
 کشید و اجزا و اسباب اکسیر را با اوزان و اعمال و مدد عمل از من
 حاصل نمود و اموقت و این حکایت خوب در باب و فهم کند
 که این یکتا کتاب سخن است مولف این کتاب هدایت الله ظاهر
 نمود و برده اخفا از طبق جواهر کشود تا بر طالبان این علم ظاهر
 و هویدا گردد و مولف را بقاضی باد نمایند و از این شجره نمره خوب
 بردارند انشاء الله تعالی که نصیب مردم اهل گردد و از چشم نااهلان
 محفوظ ماند اکنون شروع کنیم و شرح اشکال و تولد و منسوبات
 اینها خوب فهم کن اصل این علم را بدانی ای حکیم هست اسم الله الرحمن الرحیم
 لفظهای اوست اصل این کتاب انش و بادا است و اخراج اب
 نقطه با انش است ای برهنه نقطه با دان ای با حیر
 نقطه های یابدان ای مرد پاک زن یکی اب است ثانی نقطه خا
 چهار نقطه کشت در عنصر فریق نام آن کردند استادان طریق

هشت نقطه منزع گشته از آن	سند جماعت حاصل از نوی سبک
آنکه مادر باید برشد این شکل	هشت فرزندش نو پیدا کن بعقل
از جماعت اولین نقطه ستان	بر سر شکل طریق اورا نشان
تا طریقت عتبه الداخل شود	شکل لیان بعد از او حاصل شود
بعد از آن آن نقطه باز اور بجا	نقطه ثانی برای نیت رای
بر طریق افزای تا که مدتی	بس جماعت حمزه کرد و مطلق
باز جای خود بر آن نقطه کرد	وز جماعت نقطه چهارم بر
بر طریق آن نقطه را که آن برید	تا که عتبه خارج اید از آن بدید
بس جماعت صورت انگلیس دان	این دو شکل خمس بر تلخیص جان
ز آن دو شکل این هشت فرزندان	آنکه فرزند زادگان ز ایشان مشتند

وجود فرزند زاده های ششگانه

بشوازم کن عمل چون اوری	مشتی بضر از هشت بیرون آورد
بس حمزه ضرب کن لیان و کرد	نضرة الخارج به بین ای بر هفت
ضرب لیان با نفی کن بس بین	نضرة الداخل بیرون اید به بین
ضرب لیان و بیاض او را کرد	قبض خارج را از آن بقتان کن بکا

ضرب کن لجان و کوسج نابلی
قبض داخل زو برون کن بیشکی
ضرب کن انگلیس لجان را بهم
عقله حاصل کن که دورت باد غم
ضرب کن لجان و عقبه خارجه
اجتماع او رینه در سراجیه
نام شد فولادشکال از طریق و جماعت ففهم کنون بدانکه شکل طریق
مثابه ادم دانسته اند و جماعت به نسبت حوا و هشت فرزند و شش
فرزند زاده حاصل شده اند که جمله شانزده باشد و بهم ترتیب
داده اند و دایره نام نهاده اول دایره سلکن است و صاحب مفاتیح
ست و هشت جلد احکام بدین دایره نوشته و به تسکین سلکن مشهور

است و مقدمه علم هر مل است نیک در باب و دایره سلکن این است

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

و باز دایره مزاج است که وعده سایل دهند که کدام روز مطلوب حال شود

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

باز دایره عدد دست که وعده مدت دهند و این دایره مزاج اصل

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

دایره مزاج افلیدی اینست

۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

۱۶
 ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

دایره حرف است که اسم از آن نوان گفت و کارکنان ملک مل
 اند اینست و دایره همپور و عکس و لغمان نیز گویند
 و عربی داخل نیز گویند

۱۶
 ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

باز دایره اچیل عربی است و از دایره عنصر نیز گویند و ابره ایدح نیز گویند
 و کارکنان است
 و نیز دایره اصح است و این قاعده دیگر
 دارد و قانونی دیگر است و اصح اعمال است و در آخر کتاب ذکر آن
 خواهد شد و مدار کتاب بر این هفت دایره است که نموده
 شد و دایره کارکنان تمام رمل اند و توارید دارند مثلا سوال
 از خانه پنجم باشد طلب باید کرد که صاحب خانه است
 لیکن اصح و اگر نباشد طلب میکنم که بدایره عدد صاحب خانه
 پنجم است و چون یافتیم تا در کدام خانه باشد و ناظر بطالع است

باساطع ضعیف است باقی و ضمیر و احکام و عدد و مزاج و جو

و عدم و حصول و لا حصول از او میگویم ففهم و دایره اصحاب است

که نموده می شود $\frac{1}{2} = \frac{2}{4} = \frac{3}{6} = \frac{4}{8} = \frac{5}{10} = \frac{6}{12} = \frac{7}{14} = \frac{8}{16} = \frac{9}{18} = \frac{10}{20}$

$\frac{11}{22} = \frac{12}{24} = \frac{13}{26} = \frac{14}{28} = \frac{15}{30} = \frac{16}{32} = \frac{17}{34} = \frac{18}{36} = \frac{19}{38} = \frac{20}{40}$ اکنون چون رمل زده باشی بطریقیکه

که بنظم آورده است اسناد حادق اسناد حاجی حسین ابرقوهی که

شاکر و حضرت سید حسین اخلاطی رحمه الله علیه است عمل باید

نمودن که اصل علم رمل است و در هیچ نسخه باین روشی نیست

و نموده فصلی چهارم در اصل احکام و جدول مراتب اوقات است

دوازده	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰
سکن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
فراج	۶	۱	۸	۳	۱۰	۵	۱۳	۷	۱۲	۹	۴	۱۱	۱۶	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
عدد	۲	۱۵	۶	۱۶	۱	۱۰	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
حرف	۱	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳
اخذ عنصر	۱	۶	۱۲	۱۶	۷	۴	۱۴	۲	۱۱	۳	۱۳	۵	۱۵	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
اجزاء	۱	۱۰	۴	۱۶	۱۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹

هم را تب افراد در مل را بر کین تمام بر سر هم بر پاداش و تدبیر
 خانه ها هم کن بخش و هر یک باشد از شکل و خانه و نگرارد و سکن او
 جو شکل حاصل و سکن حرف و صورت معایت شود احوال ان قلیل کثیر
 در کتبه از ابرزن بسکن مزاج که حکم بود و نبود عیان کند
 پنجه سومین را بسکن بروج زن که اولشان دهد از روز و صده تا خبر
 بشکل سکنی ابدی پنجه آخر مثلث که بند و ز عاقبت بقصور
 باین طریق که حاجی حسن بیان فرمود قضای خالق بخون می شود تغییر
 و چون صفت خانه ها شنیدی صفت اشکال و منسوبات ان بنی
 بشنو تا بدانی که این چنین شکل در این چنین خانه که قرار میگرد چه فعل
 میکند چه میدهد و چه می ستاند و عقل خود را بدان کار و احکام
 همچو در مکنون بیان نمائی که راست و درست است و حضرت حاج
 حسن منسوبات و اشکال و صفت ان بیان فرموده و بنظم آورد
 و هر کس که ناعت کند همین کافی است و مفید است منسوب
 اشکال و صفات ان در باب و خوب فهم کن نظم است
 فرموده بروج صورت لجا بکمر نشان چون مشتری خارج و بعد است جستم

وسعد و منقلب ماه و طریق و عاقبت العاقبت ^{عنان} حاجی
حسن برایتو این یاد کار کفت تا که کهی بفاتحه یاد او مری روان
شکل خست صوره و سکنش مزاج ده و ز حاصلش صغیر و ز کلام
جوشان از سعد و محسن سبب ان شکل و خانه اش بر خیز و حل
حکم کن نبت قلبان این بود صفت اشکال و نکته از صغیر فی الجملة



تا دانستند و الله اعلم بالصواب

[illegible]

منویات اشکال شائسته گانه

نوع	اشکال	جوان	مختار	حادث	حادث	جوان	صورت انسان
۱	...	...	...	...	...	...	در از بالا بزرگ ریش کهن گندم کوچک
۲	...	...	...	...	...	...	میان فک گندم کون کم ریش و وضع بیکر خلف
۳	...	...	...	...	...	...	ناقص عود و عقل و کوناه و نک و سرفه و سرفه
۴	...	...	...	...	...	...	بلند قامت بزرگ و وضع زبان اندرون دار
۵	...	...	...	...	...	...	کشنده قیام یک لبک ده ابرو سفید و پست سیاه
۶	...	...	...	...	...	...	کوناه بالا سیاه جوده که بر سر کراپ بزرگ چشم بزرگ
۷	...	...	...	...	...	...	سیاه رنگ کوناه بالا زشت روی محبوب رنگ
۸	...	...	...	...	...	...	بفرار از چشم میانه قیام یک کردن بزرگ بینی
۹	...	...	...	...	...	...	بالا بلند سفید پست پوست ابرو تمام خلف خوش طبع
۱۰	...	...	...	...	...	...	یک لب یک سر کشته ابرو و فرغ طبع سیاه چشم زرد کوناه بزرگ
۱۱	...	...	...	...	...	...	یک لب خوش خلق کناده ابرو گندم کون در از بالا بزرگ
۱۲	...	...	...	...	...	...	در از بالا ضعف ترکیب شفره مزاج و حسن نشانی بر روی
۱۳	...	...	...	...	...	...	سیاه رخ پست سفید از چشم سطر کردن سرفه و سرفه
۱۴	...	...	...	...	...	...	در از بالا ضعف ترکیب یک سنی بزرگ کوناه ابرو بزرگ
۱۵	...	...	...	...	...	...	کوناه فک سیاه رنگ کردن بزرگ سرفه و سرفه
۱۶	...	...	...	...	...	...	در از بالا ضعف ترکیب پست ضعف و از بسیار

جدول ضعف و قوت اشکال و مزاج

شکل	اشکال	امن	نکبت	فرح	سزج	مفرق	هبوط
۱		۱	۷	۱۱	۴	۲	۱
۲		۲	۶	۹	۳	۱	۷
۳		۳	۹	۶	۲	۹	۳
۴		۴	۱۰	۱۰	۷	۶	۱۲
۵		۵	۱۱	۷	۱۱	۱۲	۶
۶		۶	۱۲	۱۲	۶	۷	۷
۷		۷	۷	۱۲	۶	۷	۱
۸		۸	۲	۶	۱۲	۱۰	۴
۹		۹	۳	۳	۹	۲	۶
۱۰		۱۰	۴	۹	۳	۱	۷
۱۱		۱۱	۷	۱۱	۴	۲	۱۰
۱۲		۱۲	۶	۳	۹	۳	۹
۱۳		۱۳	۷	۶	۱۲	۱۰	۴
۱۴		۱۴	۲	۷	۱۱	۱۲	۶
۱۵		۱۵	۹	۱	۷	۶	۱۲
۱۶		۱۶	۱۰	۳	۹	۲	۶

اکنون چون صفات اشکال ظاهر شد که اصل احکام ضعف و قوت

اشکال است یعنی چون طرح و حکم با ضمیر شکل رسد و آن شکل

در خانه قوه دارد سخنش محکم و صادق و درست است و اگر آن

شکل ضعیف باشد سخنش معتریت چنانچه صاحب زبده فرمود

صادق آن شکل باشد ای و امانه که در او خطی باشد از خطها

هفت مخطی پس کار عقل افتاد که چون این چنین شکل طایفه
 خانه افتاد بداند که چه فعل میکند مثلا زاهدی بخوابات رود از
 زهد او کم نشود و خواباتی مایل بزهد کرد و اگر خواباتی بمسجد رجو
 طاعت بیشتر کند و خانه شکل زارفت میدهد یعنی شکل طبع
 آن خانه میگرد و دو شکل سعد در خانه سعادت بکمال بود و غن
 در خانه غن نخست بکمال بود و سعد در خانه غن و غن و خا
 سعد میانه بود بقدر مرتبه سایل و سوال سایل سخن باید گفت
 سخن سلاطین و زبیر و امرا تا سخن مزاج و ملازم و غلام و عورت
 تفاوت بسیار دارد پس سخن بقدر هر کس باید گفت و دروغ
 نباید گفت و آنچه در علم آنکس بوده یا شد بقدر آن باید گفت

جدول وجه اسامی اشکال

این است

بسم

الحمد

۲۲

لحان	قبض الداخل	قبض الخارج	جماعت	فرح	عقله	انگیسی	حمره
≡	÷	÷	≡	÷	÷	≡	≡
ریش دراز	بدست ارنده	از دست برنده	خفتن بسیار و خیزش بسیار	شادی و خویشتن	بند و بستن	سرنگون شدن	چرخها سرخ
سپاس	نضرة الخارج	نضرة الداخل	عنبه خارج	نقی الخد	عنبه داخل	اجتماع	طریق
≡	÷	÷	÷	÷	÷	≡	÷
چرخهای سفید	یادی دهند در خروج	یاری دهند در آمدن	استانه بیرون رفتن	ساده و پاک سرو	باستانه داخل شدن	پوشکی بهر چه مطلوب بود	رله رفتن

جهت اولی که از اشمال الرمل گفته ایم بدایره سکن و دور نقطه این است
 که نموده شده است و دایره بیوت و قسمت عناصر و کرد اب ان و
 ان بقاعده و قانون دایره سکن در روش مفاتیح است و دایره سکن
 این وضع است $\frac{1}{2} \frac{2}{3} \frac{3}{4} \frac{4}{5} \frac{5}{6} \frac{6}{7} \frac{7}{8} \frac{8}{9} \frac{9}{10} \frac{10}{11} \frac{11}{12} \frac{12}{13} \frac{13}{14} \frac{14}{15} \frac{15}{16} \frac{16}{17} \frac{17}{18} \frac{18}{19} \frac{19}{20}$
 و صاحب مفاتیح در این دایره بسیار سخنان دارد
 و آنچه فرموده بمراتب عناصر گفته مزاج انشها و بادها و آبها و

و حالها نموده اکنون بدانکه جمع نقاط دوم را طلب دارند و ملازم
 و طالب دوم خودند یعنی $\text{انش} = \text{انش}$ را میخواهد و باد
 = باد می طلبد و تا آخر که میخواهند و اینها طالب و مطلوب یکدیگر
 اند و از این عناصر هر کدام که واقع شود مطلوب ایشان دوم
 بهم دایره اگر یافت شد در رمل مراد حاصل است و اگر نه وجه
 مراتب نقاط بدایره سکن که ثبت شده بعد از این نموده می شود
 در آخر شمال رمل دیگر بدانکه این نقاط در مرکز خود مزاج آن روز
 دهند و نیت دریاب که عجربست مثلا = و = و همه مزاج
 روز یکشنبه دارند چرا که $\text{انش اول و باد اول و اب و خاك اول}$
 دارند و این اشکال در مرکز خود روز دوشنبه دارند =
 $\text{= یعنی انش دو و و باد دو = اب دو پس در مکان و مرکز}$
 خود دوشنبه مزاج دهند و تا $\text{انش و باد و اب و خاك}$ که روز
 دوشنبه است و که نقاط دارد و در حساب بنایند و بعد از آن
 نموده خواهد شد دیگر بدانکه مراتب که نموده میشود در احکام کام
 دارد که مفید است و مراتب نقطه را باید دانست و مراتب در

اینست که نموده شده است $\equiv \equiv \equiv$ یعنی آتش اول و باد اول
مراتب دوم از آتش دوم با آتش دور و در یعنی برکن خود رسانند
باد دوم برکن باد دور رسانند و باقی گذشت غرض که نقطه برکن
خود باید رسانند و آب اول و خاک اول باز با آتش دور و اگر خوا
هد که باز کرد از خاک باب رود و از آب بیاد رود و از باد با آتش
دور و دیگر مراتب دوم از آتش دو با آتش دور و از باد و بیاد
دور و آب و خاک گذشت و رجعت نیز همچین باشد و آتش
۳ به ۳ و ۴ به ۴ و ۵ به ۵ و بدیض بق که نموده می شود
با آتش ۳ است در در ابره سکن چنین $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$ $\equiv \equiv \equiv$
۶ به ۶ از ۳ به ۴ و از ۴ به ۵ و از ۵ به ۶ و از ۶ به ۷ و از ۷ به ۸ و از ۸ به ۹ و از ۹ به ۱۰ و از ۱۰ به ۱۱ و از ۱۱ به ۱۲ و از ۱۲ به ۱۳ و از ۱۳ به ۱۴ و از ۱۴ به ۱۵ و از ۱۵ به ۱۶ و از ۱۶ به ۱۷ و از ۱۷ به ۱۸ و از ۱۸ به ۱۹ و از ۱۹ به ۲۰ و از ۲۰ به ۲۱ و از ۲۱ به ۲۲ و از ۲۲ به ۲۳ و از ۲۳ به ۲۴ و از ۲۴ به ۲۵ و از ۲۵ به ۲۶ و از ۲۶ به ۲۷ و از ۲۷ به ۲۸ و از ۲۸ به ۲۹ و از ۲۹ به ۳۰ و از ۳۰ به ۳۱ و از ۳۱ به ۳۲ و از ۳۲ به ۳۳ و از ۳۳ به ۳۴ و از ۳۴ به ۳۵ و از ۳۵ به ۳۶ و از ۳۶ به ۳۷ و از ۳۷ به ۳۸ و از ۳۸ به ۳۹ و از ۳۹ به ۴۰ و از ۴۰ به ۴۱ و از ۴۱ به ۴۲ و از ۴۲ به ۴۳ و از ۴۳ به ۴۴ و از ۴۴ به ۴۵ و از ۴۵ به ۴۶ و از ۴۶ به ۴۷ و از ۴۷ به ۴۸ و از ۴۸ به ۴۹ و از ۴۹ به ۵۰ و از ۵۰ به ۵۱ و از ۵۱ به ۵۲ و از ۵۲ به ۵۳ و از ۵۳ به ۵۴ و از ۵۴ به ۵۵ و از ۵۵ به ۵۶ و از ۵۶ به ۵۷ و از ۵۷ به ۵۸ و از ۵۸ به ۵۹ و از ۵۹ به ۶۰ و از ۶۰ به ۶۱ و از ۶۱ به ۶۲ و از ۶۲ به ۶۳ و از ۶۳ به ۶۴ و از ۶۴ به ۶۵ و از ۶۵ به ۶۶ و از ۶۶ به ۶۷ و از ۶۷ به ۶۸ و از ۶۸ به ۶۹ و از ۶۹ به ۷۰ و از ۷۰ به ۷۱ و از ۷۱ به ۷۲ و از ۷۲ به ۷۳ و از ۷۳ به ۷۴ و از ۷۴ به ۷۵ و از ۷۵ به ۷۶ و از ۷۶ به ۷۷ و از ۷۷ به ۷۸ و از ۷۸ به ۷۹ و از ۷۹ به ۸۰ و از ۸۰ به ۸۱ و از ۸۱ به ۸۲ و از ۸۲ به ۸۳ و از ۸۳ به ۸۴ و از ۸۴ به ۸۵ و از ۸۵ به ۸۶ و از ۸۶ به ۸۷ و از ۸۷ به ۸۸ و از ۸۸ به ۸۹ و از ۸۹ به ۹۰ و از ۹۰ به ۹۱ و از ۹۱ به ۹۲ و از ۹۲ به ۹۳ و از ۹۳ به ۹۴ و از ۹۴ به ۹۵ و از ۹۵ به ۹۶ و از ۹۶ به ۹۷ و از ۹۷ به ۹۸ و از ۹۸ به ۹۹ و از ۹۹ به ۱۰۰ و از ۱۰۰ به ۱۰۱ و از ۱۰۱ به ۱۰۲ و از ۱۰۲ به ۱۰۳ و از ۱۰۳ به ۱۰۴ و از ۱۰۴ به ۱۰۵ و از ۱۰۵ به ۱۰۶ و از ۱۰۶ به ۱۰۷ و از ۱۰۷ به ۱۰۸ و از ۱۰۸ به ۱۰۹ و از ۱۰۹ به ۱۱۰ و از ۱۱۰ به ۱۱۱ و از ۱۱۱ به ۱۱۲ و از ۱۱۲ به ۱۱۳ و از ۱۱۳ به ۱۱۴ و از ۱۱۴ به ۱۱۵ و از ۱۱۵ به ۱۱۶ و از ۱۱۶ به ۱۱۷ و از ۱۱۷ به ۱۱۸ و از ۱۱۸ به ۱۱۹ و از ۱۱۹ به ۱۲۰ و از ۱۲۰ به ۱۲۱ و از ۱۲۱ به ۱۲۲ و از ۱۲۲ به ۱۲۳ و از ۱۲۳ به ۱۲۴ و از ۱۲۴ به ۱۲۵ و از ۱۲۵ به ۱۲۶ و از ۱۲۶ به ۱۲۷ و از ۱۲۷ به ۱۲۸ و از ۱۲۸ به ۱۲۹ و از ۱۲۹ به ۱۳۰ و از ۱۳۰ به ۱۳۱ و از ۱۳۱ به ۱۳۲ و از ۱۳۲ به ۱۳۳ و از ۱۳۳ به ۱۳۴ و از ۱۳۴ به ۱۳۵ و از ۱۳۵ به ۱۳۶ و از ۱۳۶ به ۱۳۷ و از ۱۳۷ به ۱۳۸ و از ۱۳۸ به ۱۳۹ و از ۱۳۹ به ۱۴۰ و از ۱۴۰ به ۱۴۱ و از ۱۴۱ به ۱۴۲ و از ۱۴۲ به ۱۴۳ و از ۱۴۳ به ۱۴۴ و از ۱۴۴ به ۱۴۵ و از ۱۴۵ به ۱۴۶ و از ۱۴۶ به ۱۴۷ و از ۱۴۷ به ۱۴۸ و از ۱۴۸ به ۱۴۹ و از ۱۴۹ به ۱۵۰ و از ۱۵۰ به ۱۵۱ و از ۱۵۱ به ۱۵۲ و از ۱۵۲ به ۱۵۳ و از ۱۵۳ به ۱۵۴ و از ۱۵۴ به ۱۵۵ و از ۱۵۵ به ۱۵۶ و از ۱۵۶ به ۱۵۷ و از ۱۵۷ به ۱۵۸ و از ۱۵۸ به ۱۵۹ و از ۱۵۹ به ۱۶۰ و از ۱۶۰ به ۱۶۱ و از ۱۶۱ به ۱۶۲ و از ۱۶۲ به ۱۶۳ و از ۱۶۳ به ۱۶۴ و از ۱۶۴ به ۱۶۵ و از ۱۶۵ به ۱۶۶ و از ۱۶۶ به ۱۶۷ و از ۱۶۷ به ۱۶۸ و از ۱۶۸ به ۱۶۹ و از ۱۶۹ به ۱۷۰ و از ۱۷۰ به ۱۷۱ و از ۱۷۱ به ۱۷۲ و از ۱۷۲ به ۱۷۳ و از ۱۷۳ به ۱۷۴ و از ۱۷۴ به ۱۷۵ و از ۱۷۵ به ۱۷۶ و از ۱۷۶ به ۱۷۷ و از ۱۷۷ به ۱۷۸ و از ۱۷۸ به ۱۷۹ و از ۱۷۹ به ۱۸۰ و از ۱۸۰ به ۱۸۱ و از ۱۸۱ به ۱۸۲ و از ۱۸۲ به ۱۸۳ و از ۱۸۳ به ۱۸۴ و از ۱۸۴ به ۱۸۵ و از ۱۸۵ به ۱۸۶ و از ۱۸۶ به ۱۸۷ و از ۱۸۷ به ۱۸۸ و از ۱۸۸ به ۱۸۹ و از ۱۸۹ به ۱۹۰ و از ۱۹۰ به ۱۹۱ و از ۱۹۱ به ۱۹۲ و از ۱۹۲ به ۱۹۳ و از ۱۹۳ به ۱۹۴ و از ۱۹۴ به ۱۹۵ و از ۱۹۵ به ۱۹۶ و از ۱۹۶ به ۱۹۷ و از ۱۹۷ به ۱۹۸ و از ۱۹۸ به ۱۹۹ و از ۱۹۹ به ۲۰۰ و از ۲۰۰ به ۲۰۱ و از ۲۰۱ به ۲۰۲ و از ۲۰۲ به ۲۰۳ و از ۲۰۳ به ۲۰۴ و از ۲۰۴ به ۲۰۵ و از ۲۰۵ به ۲۰۶ و از ۲۰۶ به ۲۰۷ و از ۲۰۷ به ۲۰۸ و از ۲۰۸ به ۲۰۹ و از ۲۰۹ به ۲۱۰ و از ۲۱۰ به ۲۱۱ و از ۲۱۱ به ۲۱۲ و از ۲۱۲ به ۲۱۳ و از ۲۱۳ به ۲۱۴ و از ۲۱۴ به ۲۱۵ و از ۲۱۵ به ۲۱۶ و از ۲۱۶ به ۲۱۷ و از ۲۱۷ به ۲۱۸ و از ۲۱۸ به ۲۱۹ و از ۲۱۹ به ۲۲۰ و از ۲۲۰ به ۲۲۱ و از ۲۲۱ به ۲۲۲ و از ۲۲۲ به ۲۲۳ و از ۲۲۳ به ۲۲۴ و از ۲۲۴ به ۲۲۵ و از ۲۲۵ به ۲۲۶ و از ۲۲۶ به ۲۲۷ و از ۲۲۷ به ۲۲۸ و از ۲۲۸ به ۲۲۹ و از ۲۲۹ به ۲۳۰ و از ۲۳۰ به ۲۳۱ و از ۲۳۱ به ۲۳۲ و از ۲۳۲ به ۲۳۳ و از ۲۳۳ به ۲۳۴ و از ۲۳۴ به ۲۳۵ و از ۲۳۵ به ۲۳۶ و از ۲۳۶ به ۲۳۷ و از ۲۳۷ به ۲۳۸ و از ۲۳۸ به ۲۳۹ و از ۲۳۹ به ۲۴۰ و از ۲۴۰ به ۲۴۱ و از ۲۴۱ به ۲۴۲ و از ۲۴۲ به ۲۴۳ و از ۲۴۳ به ۲۴۴ و از ۲۴۴ به ۲۴۵ و از ۲۴۵ به ۲۴۶ و از ۲۴۶ به ۲۴۷ و از ۲۴۷ به ۲۴۸ و از ۲۴۸ به ۲۴۹ و از ۲۴۹ به ۲۵۰ و از ۲۵۰ به ۲۵۱ و از ۲۵۱ به ۲۵۲ و از ۲۵۲ به ۲۵۳ و از ۲۵۳ به

کبرخانه خاک است که خاک است و چهارم تعلق بعمر دارد و

عاقبت و خانه شش خانه مریض و بیمار است و ۱۳ و نذر الوند است

و تعلق بنفس دارد پس همین از نفس مریض باشد و نقطه ایش

از میزان را ندیم در خانه هشتم به رسید و نقطه به نقطه رسید

که هفتم نقطه طریق باشد پس هفت از گذشته و ایش تعلق

بروح دارد و از که مرغ است گذشت و به رسید پس دلیل

دارد خصوصاً که شکل خارج نفس آمده است و گفتیم که این

مریض صحت می یابد مثلاً برای دیگر کسی رحل کشیدیم و آن نیست

فقطه باد بخانه سوم به رسید

باد و خاک اول بود و در خانه

صند خود یعنی آمده و از ضرب هر دو حاصل شد و در خانه

دوم بود و نقطه خاک نیز در دوم به رسید چنانکه خاک اول یعنی

میزان نیز بخاک هشتم خود در خانه دوم به رسید پس نفس در

کبیره پیداست و خوف و اندیشه در خانه مال ظاهر شد و خصم پدید

آمد چرا که با صاحب خانه ضربیم که ضد است حل

سند و دیگر آنکه نقطه خاک بخانه باد آمده پس چیزی از دست
برود و رحمت نخواهد رسید و شکل طالع با شکل احزاب نمودیم
سند که $\equiv$ ریخ $\equiv$ است چرا که $\equiv ۶ \equiv$ است و دور از
دوازده میگذرد پس دلیل غزل باشد از مناصب دیگر اگر نقطه
مطلوب در روی رمل باشد مثل $\equiv$ و $\equiv$ باد $\equiv$ طلبد یعنی
آتش $\equiv$ باد $\equiv$ طلبد و آتش $\equiv$ و باد که هر دو نقطه اول اند
پس آتش سیم باد سیوم طلبد مثل $\equiv$ و $\equiv$ اگر یافت شد بگو
از این مراد خواهی یافت چرا که فرد فرد طلبد و زوج زوج طلبد
مثل $\equiv$ که آتش فرد دارد و آتش اول است بضرورة آتش فرد
طلبد که $\equiv$ است و آتش $\equiv$ است و $\equiv$ که آتش دو است و آتش
 $\equiv$ طلبد که آتش $\equiv$ است $\equiv$ که آتش $\equiv$ است و آتش $\equiv$
طلبد که آتش $\equiv$ است و $\equiv$ که آتش $\equiv$ دارد و آتش $\equiv$ که
 $\equiv$ است و $\equiv$ که آتش $\equiv$ است آتش $\equiv$ طلبد که آتش $\equiv$ است
و $\equiv$ که آتش $\equiv$ است آتش اول طلبد که آتش $\equiv$ است و آتش
که $\equiv$ است آتش دوم خود که $\equiv$ است می طلبد دیگر نقاط همین

عل باید نمود و این مسئله را اینک در باب که طاق طالب طاق
 است و جفت طالب جفت است چنانکه در اشکال نیز همین
 سبیل که شکل خانه فرو در خانه فرو و قویست و طالب اول است
 و شکل ریخ در خانه ریخ و قویست ففهم اکنون شمر می از باز
 کردیدن نقطه بشنو که در بالا ذکران شده است مثل مثل از
 جهت غایب دیدیم پس بخانه هفتم رفتیم که سوال سایل از آن بود
 دیدیم و نقطه انش ۴ داشت و خاک ۳ پس ضمیر

درست شد که ۳ و ۴ است هفتم
 غایب است و در نفس غایب ملالی
 خونی هفت بدو دلیل یکی انکه انش در خانه اب قوی
 ندارد و ضعیف است دوم انکه در ۴ که مرتبه نقطه انش است
 قرار دارد که نقاط اند پس خوف و ملال باشد بلکه ریخ داشته
 باشد چرا که در ۶ تکرار نموده و چون انش ۳ که انش هفت
 صاحب این خانه و این سوال است در ۴ قرار دارد پس گفتیم که
 خبر بیماری غایب رسیده باشد گفت بل خبر بیماری او رسیده و چون

در ۱۲ تکرار نموده گفتیم غایب دو نفرند گفت بلی و چون نقطه
 خاک ۱۱ قوی بود در ۱۲ و خاک ۱۳ است گفتیم غایب دو برادرند
 و زیاده قوی ندارند بسبب آتش در آب که خانه ۱۱ است
 و خاک در خانه آتش که ۱۳ است و خواستیم که بدانیم که تا چند روز
 دیگر خواهد رسید ۱۱ در دایره عدد صاحب دهم است و در
 ۱۴ خود آمده است و عدد دوع عدد عنصر آتش و خاک ۱۱
 یعنی آتش و خاک ۱۲ پنج شد و عدد خانه جمعا ۱۲ شد و چون
 در ۱۴ خود آمده بود آن چهارده بر ۱۲ افزودیم بحساب اجد مجموع
 ۲۶ روز شد پس گفتیم تا ۲۶ روز دیگر بیاید و این عدد صاحب
 مفاتیح است که در مفاتیح بعد اخلاق فرموده اند و این فقر
 ظاهر گردانیده و دیگر خواستیم که کیسه غایبان را بدانیم و نقطه
 بدانکه که کیسه هر نقطه ۱۱ است خواه در آتش و خواه در باد و
 خواه در آب و خواه در خاک و چون ۱۱ خاک ۱۳ است و مظلوم
 خاک ۱۱ پس غایبان طالب مقام اصلی خود باشند چرا که خاک مقام
 اصلی است و ۱۱ مقام و چون در خانه آب است و رنگی در آمدن

باشد و مال داشته باشد چرا که خاک ۳ اب ۳ طلب دایره و ۳

عدد برابر است نه پدر اگر ۴ بود پدر بودی و اب ۳ در میزان

در مل موجود است و ان اب را از میزان راندیم هجانه هشتم رسید

باب ۴ و چون ۳ به ۴ رسید در ۴ خود بود یعنی نقطه اب =

باب ۳ رسید در هشتم و ۳ بحب دایره در چهارم = است

و ۴ او ناد است در خانه ۴ که مال غایب باشد آمده پس مال دارد

از غیب دارد و چون نقطه ۴ است و ۴ تعلق بر عایا و ملازمین

و شاکر دان و حیوان کوچک دارد پس از اینطایفه مال برسد

خاصه که ۳ سعد و داخل است و خواستیم که بدانیم که مالی که

میرسد بکجا میرود و مصرف او کجا است و بکجا باز میگردد و در اینجا

بازگشت نقطه ششم بیان می شود پس طلب با ۳ نمودیم در خانه

باز دهم یافتیم = را که با ۳ با او است و در خانه فرود آمده است

و این مرکز اب ۳ است یعنی مرکز اب اول ۳ است و دویم و

سیوم ۱۱ و چهارم ۴ و اب ۳ مال بود ۳ است پس بقصر مال

آمده باشد و چون ۳ شکل ۳ نمایان سکون و باز دهم آمده پس

چهارم خود آمده گفتیم که مال صرف ملکت و عمارت و مقام
 می شود دیگر فوت باد سه را طلب نمودیم که انش $\frac{۱}{۲}$ باشد و خانه
 $\frac{۱}{۳}$ در مزاج مراتب نشسته بود یعنی انش $\frac{۱}{۳}$ که $\frac{۱}{۳}$ است در خانه
 $\frac{۱}{۳}$ رمل آمده مثل این معانی مزاج مراتبه می گویند و نیز باد و هوا
 داشت پس در این معنی سرهاست که خاک مرتبه $\frac{۱}{۳}$ نیز داشت و
 مرتبه $\frac{۱}{۳}$ مال است و این خاک مرتبه $\frac{۱}{۳}$ که خاک $\frac{۱}{۳}$ است میان
 اب مرتبه $\frac{۱}{۳}$ است که در میزان است و در هشتم مرتبه اب $\frac{۱}{۳}$ باز
 دید آمده است شرح یعنی خاک $\frac{۱}{۳}$ که خاک دوم است اب
 $\frac{۱}{۳}$ هشتم شده و اینکه میگوید که همان اب مرتبه سوم است که
 در میزان است و در هشتم مرتبه اب دوم باز دید آمده یعنی که
 $\frac{۱}{۳}$ که با صاحب خانه هشتم که $\frac{۱}{۳}$ است ضرب کردیم $\frac{۱}{۳}$ صورت
 بست $\frac{۱}{۳}$ اب سوم است و در میزان آمده و از ضرب $\frac{۱}{۳}$ نیز
 $\frac{۱}{۳}$ باز $\frac{۱}{۳}$ حاصل شده پس دو جا پیدا شد پس در مرتبه دوم
 باز دید آمده باشد با این معنی گفته و باب ششم $\frac{۱}{۳}$ است رسید
 پس از دو نا شش با این خانه و خانه و دوستی و این منتهی نیک

در باب که خلاصه است هشت جلد مفاتیح و خاک دو که ۲۶
 ۱ است طلب خاک ۱ میکند که ۱ باشد پس در این مقام قوسی
 دوستی دارد و این دوستی در خانه ۱ که خاک ۱ است
 فرادارد و این خاک ۲ که ۱ است دشمنی همراه آن دارد که
 آن باد ۲ است اما چون باد و آتش همراه دارد دوستی نمیکند
 و چون خاک در خانه آب است و قوت دارد و باد و آتش خاک
 است و چون بوی رسد زایل باشد چرا که خانه باد و خانه دوم
 باشد و خانه خاک ۳ پس باد در خاک خانه زایل باشد و حساب
 اوتاد و مایل اوتاد و زایل اوتاد و نیک در باب و زوج اب ۱
 بسته است در میان باد و خاک و این عمل ازواج است و چنان است
 که روح آتش اول ۱ است و همچنین که در افراد سخنی ناکن است در
 ازواج نیز کلمه چند بیان میشود بدایره سکن و ابتدا از زوجی میکند
 که او ۱ باشد که ازواج هشت دارد پس زوج آتش اول ۱
 و زوج ۲ آتش ۱ و زوج آتش ۲ ۱ و ۴ ۱ و ۶ ۱ و
 ۸ ۱ و ۱۰ ۱ و ۱۲ ۱ و ۱۴ ۱ و ۱۶ ۱ و ۱۸ ۱ و ۲۰ ۱ و ۲۲ ۱ و ۲۴ ۱ و ۲۶ ۱ و ۲۸ ۱ و ۳۰ ۱ و ۳۲ ۱ و ۳۴ ۱ و ۳۶ ۱ و ۳۸ ۱ و ۴۰ ۱ و ۴۲ ۱ و ۴۴ ۱ و ۴۶ ۱ و ۴۸ ۱ و ۵۰ ۱ و ۵۲ ۱ و ۵۴ ۱ و ۵۶ ۱ و ۵۸ ۱ و ۶۰ ۱ و ۶۲ ۱ و ۶۴ ۱ و ۶۶ ۱ و ۶۸ ۱ و ۷۰ ۱ و ۷۲ ۱ و ۷۴ ۱ و ۷۶ ۱ و ۷۸ ۱ و ۸۰ ۱ و ۸۲ ۱ و ۸۴ ۱ و ۸۶ ۱ و ۸۸ ۱ و ۹۰ ۱ و ۹۲ ۱ و ۹۴ ۱ و ۹۶ ۱ و ۹۸ ۱ و ۱۰۰ ۱ و ۱۰۲ ۱ و ۱۰۴ ۱ و ۱۰۶ ۱ و ۱۰۸ ۱ و ۱۱۰ ۱ و ۱۱۲ ۱ و ۱۱۴ ۱ و ۱۱۶ ۱ و ۱۱۸ ۱ و ۱۲۰ ۱ و ۱۲۲ ۱ و ۱۲۴ ۱ و ۱۲۶ ۱ و ۱۲۸ ۱ و ۱۳۰ ۱ و ۱۳۲ ۱ و ۱۳۴ ۱ و ۱۳۶ ۱ و ۱۳۸ ۱ و ۱۴۰ ۱ و ۱۴۲ ۱ و ۱۴۴ ۱ و ۱۴۶ ۱ و ۱۴۸ ۱ و ۱۵۰ ۱ و ۱۵۲ ۱ و ۱۵۴ ۱ و ۱۵۶ ۱ و ۱۵۸ ۱ و ۱۶۰ ۱ و ۱۶۲ ۱ و ۱۶۴ ۱ و ۱۶۶ ۱ و ۱۶۸ ۱ و ۱۷۰ ۱ و ۱۷۲ ۱ و ۱۷۴ ۱ و ۱۷۶ ۱ و ۱۷۸ ۱ و ۱۸۰ ۱ و ۱۸۲ ۱ و ۱۸۴ ۱ و ۱۸۶ ۱ و ۱۸۸ ۱ و ۱۹۰ ۱ و ۱۹۲ ۱ و ۱۹۴ ۱ و ۱۹۶ ۱ و ۱۹۸ ۱ و ۲۰۰ ۱ و ۲۰۲ ۱ و ۲۰۴ ۱ و ۲۰۶ ۱ و ۲۰۸ ۱ و ۲۱۰ ۱ و ۲۱۲ ۱ و ۲۱۴ ۱ و ۲۱۶ ۱ و ۲۱۸ ۱ و ۲۲۰ ۱ و ۲۲۲ ۱ و ۲۲۴ ۱ و ۲۲۶ ۱ و ۲۲۸ ۱ و ۲۳۰ ۱ و ۲۳۲ ۱ و ۲۳۴ ۱ و ۲۳۶ ۱ و ۲۳۸ ۱ و ۲۴۰ ۱ و ۲۴۲ ۱ و ۲۴۴ ۱ و ۲۴۶ ۱ و ۲۴۸ ۱ و ۲۵۰ ۱ و ۲۵۲ ۱ و ۲۵۴ ۱ و ۲۵۶ ۱ و ۲۵۸ ۱ و ۲۶۰ ۱ و ۲۶۲ ۱ و ۲۶۴ ۱ و ۲۶۶ ۱ و ۲۶۸ ۱ و ۲۷۰ ۱ و ۲۷۲ ۱ و ۲۷۴ ۱ و ۲۷۶ ۱ و ۲۷۸ ۱ و ۲۸۰ ۱ و ۲۸۲ ۱ و ۲۸۴ ۱ و ۲۸۶ ۱ و ۲۸۸ ۱ و ۲۹۰ ۱ و ۲۹۲ ۱ و ۲۹۴ ۱ و ۲۹۶ ۱ و ۲۹۸ ۱ و ۳۰۰ ۱ و ۳۰۲ ۱ و ۳۰۴ ۱ و ۳۰۶ ۱ و ۳۰۸ ۱ و ۳۱۰ ۱ و ۳۱۲ ۱ و ۳۱۴ ۱ و ۳۱۶ ۱ و ۳۱۸ ۱ و ۳۲۰ ۱ و ۳۲۲ ۱ و ۳۲۴ ۱ و ۳۲۶ ۱ و ۳۲۸ ۱ و ۳۳۰ ۱ و ۳۳۲ ۱ و ۳۳۴ ۱ و ۳۳۶ ۱ و ۳۳۸ ۱ و ۳۴۰ ۱ و ۳۴۲ ۱ و ۳۴۴ ۱ و ۳۴۶ ۱ و ۳۴۸ ۱ و ۳۵۰ ۱ و ۳۵۲ ۱ و ۳۵۴ ۱ و ۳۵۶ ۱ و ۳۵۸ ۱ و ۳۶۰ ۱ و ۳۶۲ ۱ و ۳۶۴ ۱ و ۳۶۶ ۱ و ۳۶۸ ۱ و ۳۷۰ ۱ و ۳۷۲ ۱ و ۳۷۴ ۱ و ۳۷۶ ۱ و ۳۷۸ ۱ و ۳۸۰ ۱ و ۳۸۲ ۱ و ۳۸۴ ۱ و ۳۸۶ ۱ و ۳۸۸ ۱ و ۳۹۰ ۱ و ۳۹۲ ۱ و ۳۹۴ ۱ و ۳۹۶ ۱ و ۳۹۸ ۱ و ۴۰۰ ۱ و ۴۰۲ ۱ و ۴۰۴ ۱ و ۴۰۶ ۱ و ۴۰۸ ۱ و ۴۱۰ ۱ و ۴۱۲ ۱ و ۴۱۴ ۱ و ۴۱۶ ۱ و ۴۱۸ ۱ و ۴۲۰ ۱ و ۴۲۲ ۱ و ۴۲۴ ۱ و ۴۲۶ ۱ و ۴۲۸ ۱ و ۴۳۰ ۱ و ۴۳۲ ۱ و ۴۳۴ ۱ و ۴۳۶ ۱ و ۴۳۸ ۱ و ۴۴۰ ۱ و ۴۴۲ ۱ و ۴۴۴ ۱ و ۴۴۶ ۱ و ۴۴۸ ۱ و ۴۵۰ ۱ و ۴۵۲ ۱ و ۴۵۴ ۱ و ۴۵۶ ۱ و ۴۵۸ ۱ و ۴۶۰ ۱ و ۴۶۲ ۱ و ۴۶۴ ۱ و ۴۶۶ ۱ و ۴۶۸ ۱ و ۴۷۰ ۱ و ۴۷۲ ۱ و ۴۷۴ ۱ و ۴۷۶ ۱ و ۴۷۸ ۱ و ۴۸۰ ۱ و ۴۸۲ ۱ و ۴۸۴ ۱ و ۴۸۶ ۱ و ۴۸۸ ۱ و ۴۹۰ ۱ و ۴۹۲ ۱ و ۴۹۴ ۱ و ۴۹۶ ۱ و ۴۹۸ ۱ و ۵۰۰ ۱ و ۵۰۲ ۱ و ۵۰۴ ۱ و ۵۰۶ ۱ و ۵۰۸ ۱ و ۵۱۰ ۱ و ۵۱۲ ۱ و ۵۱۴ ۱ و ۵۱۶ ۱ و ۵۱۸ ۱ و ۵۲۰ ۱ و ۵۲۲ ۱ و ۵۲۴ ۱ و ۵۲۶ ۱ و ۵۲۸ ۱ و ۵۳۰ ۱ و ۵۳۲ ۱ و ۵۳۴ ۱ و ۵۳۶ ۱ و ۵۳۸ ۱ و ۵۴۰ ۱ و ۵۴۲ ۱ و ۵۴۴ ۱ و ۵۴۶ ۱ و ۵۴۸ ۱ و ۵۵۰ ۱ و ۵۵۲ ۱ و ۵۵۴ ۱ و ۵۵۶ ۱ و ۵۵۸ ۱ و ۵۶۰ ۱ و ۵۶۲ ۱ و ۵۶۴ ۱ و ۵۶۶ ۱ و ۵۶۸ ۱ و ۵۷۰ ۱ و ۵۷۲ ۱ و ۵۷۴ ۱ و ۵۷۶ ۱ و ۵۷۸ ۱ و ۵۸۰ ۱ و ۵۸۲ ۱ و ۵۸۴ ۱ و ۵۸۶ ۱ و ۵۸۸ ۱ و ۵۹۰ ۱ و ۵۹۲ ۱ و ۵۹۴ ۱ و ۵۹۶ ۱ و ۵۹۸ ۱ و ۶۰۰ ۱ و ۶۰۲ ۱ و ۶۰۴ ۱ و ۶۰۶ ۱ و ۶۰۸ ۱ و ۶۱۰ ۱ و ۶۱۲ ۱ و ۶۱۴ ۱ و ۶۱۶ ۱ و ۶۱۸ ۱ و ۶۲۰ ۱ و ۶۲۲ ۱ و ۶۲۴ ۱ و ۶۲۶ ۱ و ۶۲۸ ۱ و ۶۳۰ ۱ و ۶۳۲ ۱ و ۶۳۴ ۱ و ۶۳۶ ۱ و ۶۳۸ ۱ و ۶۴۰ ۱ و ۶۴۲ ۱ و ۶۴۴ ۱ و ۶۴۶ ۱ و ۶۴۸ ۱ و ۶۵۰ ۱ و ۶۵۲ ۱ و ۶۵۴ ۱ و ۶۵۶ ۱ و ۶۵۸ ۱ و ۶۶۰ ۱ و ۶۶۲ ۱ و ۶۶۴ ۱ و ۶۶۶ ۱ و ۶۶۸ ۱ و ۶۷۰ ۱ و ۶۷۲ ۱ و ۶۷۴ ۱ و ۶۷۶ ۱ و ۶۷۸ ۱ و ۶۸۰ ۱ و ۶۸۲ ۱ و ۶۸۴ ۱ و ۶۸۶ ۱ و ۶۸۸ ۱ و ۶۹۰ ۱ و ۶۹۲ ۱ و ۶۹۴ ۱ و ۶۹۶ ۱ و ۶۹۸ ۱ و ۷۰۰ ۱ و ۷۰۲ ۱ و ۷۰۴ ۱ و

۱۰۴ = ۱۰۳ = ۱۰۲ = ۱۰۱ = ۱۰۰ = ۹۹ = ۹۸ = ۹۷ = ۹۶ = ۹۵ = ۹۴ = ۹۳ = ۹۲ = ۹۱ = ۹۰ = ۸۹ = ۸۸ = ۸۷ = ۸۶ = ۸۵ = ۸۴ = ۸۳ = ۸۲ = ۸۱ = ۸۰ = ۷۹ = ۷۸ = ۷۷ = ۷۶ = ۷۵ = ۷۴ = ۷۳ = ۷۲ = ۷۱ = ۷۰ = ۶۹ = ۶۸ = ۶۷ = ۶۶ = ۶۵ = ۶۴ = ۶۳ = ۶۲ = ۶۱ = ۶۰ = ۵۹ = ۵۸ = ۵۷ = ۵۶ = ۵۵ = ۵۴ = ۵۳ = ۵۲ = ۵۱ = ۵۰ = ۴۹ = ۴۸ = ۴۷ = ۴۶ = ۴۵ = ۴۴ = ۴۳ = ۴۲ = ۴۱ = ۴۰ = ۳۹ = ۳۸ = ۳۷ = ۳۶ = ۳۵ = ۳۴ = ۳۳ = ۳۲ = ۳۱ = ۳۰ = ۲۹ = ۲۸ = ۲۷ = ۲۶ = ۲۵ = ۲۴ = ۲۳ = ۲۲ = ۲۱ = ۲۰ = ۱۹ = ۱۸ = ۱۷ = ۱۶ = ۱۵ = ۱۴ = ۱۳ = ۱۲ = ۱۱ = ۱۰ = ۹ = ۸ = ۷ = ۶ = ۵ = ۴ = ۳ = ۲ = ۱ = ۰

دیگر ابا و زوج اول = ۱۰۴ = ۱۰۳ = ۱۰۲ = ۱۰۱ = ۱۰۰ = ۹۹ = ۹۸ = ۹۷ = ۹۶ = ۹۵ = ۹۴ = ۹۳ = ۹۲ = ۹۱ = ۹۰ = ۸۹ = ۸۸ = ۸۷ = ۸۶ = ۸۵ = ۸۴ = ۸۳ = ۸۲ = ۸۱ = ۸۰ = ۷۹ = ۷۸ = ۷۷ = ۷۶ = ۷۵ = ۷۴ = ۷۳ = ۷۲ = ۷۱ = ۷۰ = ۶۹ = ۶۸ = ۶۷ = ۶۶ = ۶۵ = ۶۴ = ۶۳ = ۶۲ = ۶۱ = ۶۰ = ۵۹ = ۵۸ = ۵۷ = ۵۶ = ۵۵ = ۵۴ = ۵۳ = ۵۲ = ۵۱ = ۵۰ = ۴۹ = ۴۸ = ۴۷ = ۴۶ = ۴۵ = ۴۴ = ۴۳ = ۴۲ = ۴۱ = ۴۰ = ۳۹ = ۳۸ = ۳۷ = ۳۶ = ۳۵ = ۳۴ = ۳۳ = ۳۲ = ۳۱ = ۳۰ = ۲۹ = ۲۸ = ۲۷ = ۲۶ = ۲۵ = ۲۴ = ۲۳ = ۲۲ = ۲۱ = ۲۰ = ۱۹ = ۱۸ = ۱۷ = ۱۶ = ۱۵ = ۱۴ = ۱۳ = ۱۲ = ۱۱ = ۱۰ = ۹ = ۸ = ۷ = ۶ = ۵ = ۴ = ۳ = ۲ = ۱ = ۰

زوج خاک اول = ۱۰۴ = ۱۰۳ = ۱۰۲ = ۱۰۱ = ۱۰۰ = ۹۹ = ۹۸ = ۹۷ = ۹۶ = ۹۵ = ۹۴ = ۹۳ = ۹۲ = ۹۱ = ۹۰ = ۸۹ = ۸۸ = ۸۷ = ۸۶ = ۸۵ = ۸۴ = ۸۳ = ۸۲ = ۸۱ = ۸۰ = ۷۹ = ۷۸ = ۷۷ = ۷۶ = ۷۵ = ۷۴ = ۷۳ = ۷۲ = ۷۱ = ۷۰ = ۶۹ = ۶۸ = ۶۷ = ۶۶ = ۶۵ = ۶۴ = ۶۳ = ۶۲ = ۶۱ = ۶۰ = ۵۹ = ۵۸ = ۵۷ = ۵۶ = ۵۵ = ۵۴ = ۵۳ = ۵۲ = ۵۱ = ۵۰ = ۴۹ = ۴۸ = ۴۷ = ۴۶ = ۴۵ = ۴۴ = ۴۳ = ۴۲ = ۴۱ = ۴۰ = ۳۹ = ۳۸ = ۳۷ = ۳۶ = ۳۵ = ۳۴ = ۳۳ = ۳۲ = ۳۱ = ۳۰ = ۲۹ = ۲۸ = ۲۷ = ۲۶ = ۲۵ = ۲۴ = ۲۳ = ۲۲ = ۲۱ = ۲۰ = ۱۹ = ۱۸ = ۱۷ = ۱۶ = ۱۵ = ۱۴ = ۱۳ = ۱۲ = ۱۱ = ۱۰ = ۹ = ۸ = ۷ = ۶ = ۵ = ۴ = ۳ = ۲ = ۱ = ۰

و ۱۰۴ = ۱۰۳ = ۱۰۲ = ۱۰۱ = ۱۰۰ = ۹۹ = ۹۸ = ۹۷ = ۹۶ = ۹۵ = ۹۴ = ۹۳ = ۹۲ = ۹۱ = ۹۰ = ۸۹ = ۸۸ = ۸۷ = ۸۶ = ۸۵ = ۸۴ = ۸۳ = ۸۲ = ۸۱ = ۸۰ = ۷۹ = ۷۸ = ۷۷ = ۷۶ = ۷۵ = ۷۴ = ۷۳ = ۷۲ = ۷۱ = ۷۰ = ۶۹ = ۶۸ = ۶۷ = ۶۶ = ۶۵ = ۶۴ = ۶۳ = ۶۲ = ۶۱ = ۶۰ = ۵۹ = ۵۸ = ۵۷ = ۵۶ = ۵۵ = ۵۴ = ۵۳ = ۵۲ = ۵۱ = ۵۰ = ۴۹ = ۴۸ = ۴۷ = ۴۶ = ۴۵ = ۴۴ = ۴۳ = ۴۲ = ۴۱ = ۴۰ = ۳۹ = ۳۸ = ۳۷ = ۳۶ = ۳۵ = ۳۴ = ۳۳ = ۳۲ = ۳۱ = ۳۰ = ۲۹ = ۲۸ = ۲۷ = ۲۶ = ۲۵ = ۲۴ = ۲۳ = ۲۲ = ۲۱ = ۲۰ = ۱۹ = ۱۸ = ۱۷ = ۱۶ = ۱۵ = ۱۴ = ۱۳ = ۱۲ = ۱۱ = ۱۰ = ۹ = ۸ = ۷ = ۶ = ۵ = ۴ = ۳ = ۲ = ۱ = ۰

است زوج نیز در حساب است از این جهت باز نمود
 شد تا در رمل بعل آمد که اصلی است و زوج زوج طلب و زوج
 نیز زوج طلب همچنان که در نقطه های فرد غوره شد باز آمدیم
 بهر ابا زوج = که زوج ابا اول است و طلب دوم خود میکند
 که = باشد که زوج ابا دوم است و چون در زوج است ابا
 = فرد است که ابا اول است پس طلب ابا = که که کینه
 = است و ابا سوم است پس در اول زوج است و در خانه
 خود باشد و طلب = کند از آنکه = کینه = است و طمع دارد
 و طلب کند و = چون زوج ابا = است و ابا فاده است
 نزد در خانه انصاف قرار دارد و در مرکز پس مراد حاصل است
 باز در خانه انصاف که دریم = اینجا بود که ابا = دارد و دوست خان
 دو است در مزاج و مراتب و این ابا ۱۲ از ۱۳ هم رسیده و این ابا

است که خاک ۱ گفته یعنی خاک ۲ هفتم تا ظاهر خود که نقطه
 هر چه که باین نام برده در هم بافته است فهم سلیم مستقیم باید که
 از هم جدا کند و احکام بیان نماید و اصل آنست که دوستی دشمنی
 در نقاط و اشکال و بیوت پیدا کنی که فواید احکام همین است
 نیک در باب و چون از ۱ که مرتبه طریق است ۲ که مرتبه خاک
 ۳ است بر دوع مانند پس در مقام دوستی باشد و آن دوست
 زنی باشد چرا که از آب ۱ خاک عقله هفتم حاصل شده در خانه
 خاک یعنی ۴ و باد و است که ۵ دشمنی خاک ۲ که است ۶
 باشد در مرتبه و در خانه ۶ باد ۷ آب ۸ شده و از ۹ تا ۱۰
 هفت عدد است و ۱۱ مرتبه ریخت پس از ریخت گذشت و دلیل
 است که باد ۲ که خضم خاک دو است ملالی دارد که در آن خونی
 باشد چرا که از شکل ۱ که در ششم است حاصل شده و عدد ۷
 نکاح و غایب و شریک باشد و از ریخت و تفرقه خلاص باید و یکی
 در نقطه که خلاصه هر مل است نیک در باب که تمام هر مل بدو
 باز بسته است از چیز و شر ۱ و حصول و لا حصول پس چون دانستی

که هر شکل و مطلوب خود می طلبد پس بیاید که گفت که مقصود

سایل در کدام نقطه است باید دید که آن نقطه در ظاهر

باطن رمل هست یا نه اگر آن نقطه در رمل موجود باشد

نظر کند که در کجاست و چند دور کرده است و با صاحب

طالع چه چیت نشسته است و خوش است یا ناخوش و او نیز

چه طلب میکند و مرادش حاصل است یا نه و شکل طالع نیز ^{سند}

که چند دور کرده و چندم خود است و جانش چیست مثلا این

رمل از بهر غایب کشیده بود اینست $\begin{array}{ccccccc} \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \end{array}$

و شکل در طالع بود و سه نقطه دارد $\begin{array}{ccccccc} \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \end{array}$

آتش و باد و آب آتش مرتبه ۶ دارد و باد مرتبه ۵ و آتش و باد مرتبه ۴

و آب و آتش حرکت دارد یعنی خانه ۳ از دست و آتش و باد

دارد که خانه ۴ از دست و آتش و باد ۵ با آتش ۴ پوست یعنی

شد در ۵ و آتش ۴ در خانه آتش مزوج اول است یعنی ۳

که صاحب هفتم است و او آتش مزوج اول دارد و بحسب خانه

در خود است یعنی ۳ که آتش ۴ رفته یعنی در ۴ خود باشد و

خانه مال و معاش و ذخیره است اما چون آب چهاردهم ازش
چهار است در مرتبه پس عاقبت میان سایل و مسئول تراج واقع
شود و نیز آب دور ع نموده یعنی آب از آب و و و
و گذشته و میخواهد که باب برسد و نرسیده و در آن ماهیت
است پس آب دور ع نموده و به که آب است نرسیده
و نزدیک است و مستقبلش اینست که خواهد رسید که خانه
سرخ و شاکر و وحشی کار است و چون از ازش و آب شیان
نمودیم امدیم بحکایت باد که باد ع است که تعلق بغزند و دو
دارد بلکه بهدیه و خبر و در خانه ازش آمده است و بمزاج حراره
و دوستی و موافقت دارد و دور ع نموده و به که است
نزدیک شده و بعد از این مستقبلش اینست که خواهد رسید یعنی
باد از و گذشته باول آمده و میخواهد که به و و
برسد و چون مستقبلش است حالا در یک مقام آمده و با هم
سخن دوستی و عهد و شرط می نمایند و دلیل خور می و خوشدلی باشد
ابا این باب در خانه ازش شد که ازش است و ازش

دایره دور و درع نموده چرا که انش: $\text{و} \rightarrow \text{و} \rightarrow \text{و} \rightarrow \text{و}$ و به و خود آمده و
 باین دلیل که به $\text{و} \rightarrow \text{و} \rightarrow \text{و} \rightarrow \text{و}$ آمده و $\text{و} \rightarrow \text{و} \rightarrow \text{و} \rightarrow \text{و}$ آمده پس چهارم خود
 آمده باشد پس در یک مقام بهم نیستند و دوستی نمایند و
 بد غایرند اگر چه از ضد متکافرا غرضی باشند و بدلیل دیگر به و
 خود که به آمده یعنی آنکه بادع که و است و باد و که و است و
 و که و است و باد و که و رسیده و از و تا و مرتبه باین دلیل نیز گفته
 که چهارم خود آمده و باز نقطه انش و که و است و بول آمده پس
 دور و نموده یعنی مرتبه خانه چرا که از و بول آمده و چنین که از و
 به و و به و و به و و به و و بول آمده پس و مرتبه آمده باشد
 پس دلیل محضوری سایل باشد و چون در و باشد و میرسد که
 باشد دلیل است که از غایب جز خوش بشود و برادر رسد و با
 انش دروغ نموده یعنی در این رمل انش و که در و موجود
 است بیک دور و انش و و دور و انش و و دور و انش و دور و انش
 و دور و انش و در اول به و دور پس و دور نموده و و
 در و عدد دارد بدایره بزوح اما صاحب مفاتیح انرا قبول نمیکند

و میگوید که $\frac{1}{2}$ شکل خاصی است و $\frac{1}{2}$ نقطه دارد و $\frac{1}{2}$ در $\frac{1}{2}$ می شود
 و باز میگوید که $\frac{1}{2}$ در $\frac{1}{2}$ است و $\frac{1}{2}$ است و $\frac{1}{2}$ است و $\frac{1}{2}$ است و $\frac{1}{2}$ است
 دارد و $\frac{1}{2}$ در $\frac{1}{2}$ ضرب کردیم $\frac{1}{2}$ شد پس عدد $\frac{1}{2}$ باشد این
 دور نقطه پس عزیز و معتبر است قدرش بر آن که هیچکس باین
 روشنی و پاکیزگی ننوشت و نگفته اند و اشکال حاکمان رمل گفته
 شد و باز مینماید که هر یک بمثابه اقباب که $\frac{1}{2}$ کوب درخت
 دارد و $\frac{1}{2}$ کوب در فوق دارد و آن اینها اند نیک در باب
 $\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{2}$ چرا که $\frac{1}{2}$ نقطه از ما قبل و $\frac{1}{2}$ نقطه از ما بعد دارند
 و حکم بدست آنهاست نیک در باب مسئله دیگر آنکه $\frac{1}{2}$ است
 است پس آنرا و تاد باشد و چون در خانه اول آمده و $\frac{1}{2}$ در $\frac{1}{2}$
 باشد و دور $\frac{1}{2}$ نموده یعنی از $\frac{1}{2}$ به $\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{2}$ به $\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{2}$ به $\frac{1}{2}$
 رسیده و $\frac{1}{2}$ مرتبه باد است و دوم نیز مرتبه باد است و عناصر چهار
 است چون از $\frac{1}{2}$ طرح شد نم $\frac{1}{2}$ میماند و دوم نیز مرتبه باد است
 پس آنرا باشد یعنی خود مرتبه باد دانسته باشد و در خانه اول
 مرکز آن است و او در اصل آن بود و حالا بنظر آن $\frac{1}{2}$ خواهد شد

پس رخت نیز زیاده باشد و آتشی بادی یا بالو آتشی باشد پس
 قوی و مرادی باشد بمشقت و نقطه خاک نیز دارد اگر خاک در ک
 خاک باشد یعنی در چهارم و هشتم متقش رسد و اگر خاک بنا
 ملالی باشد و اگر آتش چهار یعنی در طالع باشد و او تاد است
 و عالی است و او تاد طلب باد چهار کند از خانه دهم یعنی که
 صاحب دهم است و تاد رجا باشد و در دهم چه باشد و از آن
 حوز چند دور کرده باشد و از دور شکلی و دور نقطه و ظاهر
 باطن حکم نماید که اصل رمل و خلاصه مضایح این بود که مذکور شد
 دیگر بدانکه هر چه در این عالم است از این چهار عناصر بیرون نیست
 پس چون آتش در طالع باشد حکم مطلق او در دهم باشد سبب
 که عدد و عضو او است پس اگر در راول باشد و در دهم باد
 باشد نیکو بود و از خانه دهم باز نظر در رمل کند که دهم دهم است
 اگر نقطه اب باشد بسیار نیک است و مطالب حاصل است
 مراد حسب المدعاست و باز در دهم سیوم که خانه باشد نظر کند
 اگر نقطه خاک بود آن کاروان مهم دان نیست بکلی نیکوست و اصل

احکام قل بیست و صاحب شجره انش در اول و باد در ۲ و اب
 در ۳ و خاک در ۴ بیان نموده و صاحب مفاتیح ۱ در ۱ مینویسد
 نیکو در باب که اصل احکام و طالب و مطلوب خاص بلکه خاص
 الخاص بیست و این را باطل مگذارد و نیکو نگاهدار و هدایت الله
 مولف این کتاب است بفاعله یاد نماید تا بر تو بکشد اید انشاء الله
 نعم باز بدانکه که هر نقطه از این دانتش در باد و اب و
 خاک هر یک نقطه ۳۶ عدد دارند که از این نکلند مثال از
 نادر تا که رسید ۳۶ عدد بود و چون باد و خاک تا بیاید و خاک
 رسید ۳۶ عدد بدید و چون اب به باب که رسید ۳۶
 عدد بود و چون خانه ۳ ابد که خانه انش ۲ است ۳ عدد
 بود و در دم که دو مرتبه رفته بن ۳ عدد بود چرا که یک عدد
 خودش و دو خانه که نقل کرده و در ۴ که مرتبه ۲ اب است
 بن ۳ عدد دارد و در ۱۱ که مرتبه ۲ خاک است و هم
 ۳ عدد دارد و دیگر آنکه هر نقطه در مرکز خود یک عدد دارد
 و هر چند که خانه بیش بود عدد از مرتبه هم دارد مثلا در ۱

۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

کمال باشد در اع باشد او نقطه ۲ دارد و نیز نقطه حال ۳ دارد
 دلیل کند بوجز برادران و خویشان و مصاحبان و نقل و حرکت
 نزدیک و چون باد بچشم همراه باشد یا به بیری یا به محبوبی یا
 کند و نادر خانه ۲ چه شکل باشد و پشت هر چه دارد و چون اب
 ۴ که دشمنی انش ۴ است و در ۴ است از دشمنی حد باید نمود
 بر این نسق جمع نقاط و اشکال حکم باید کرد مثال دیگر آنکه ۴ که
 سیوم بود نقطه انش از مرتبه ششم بخانه ششم باید رفت و سخن
 گفت و اگر اینجا باشد با اب ۴ باشد دشمنی در نهایت و کمال باشد
 و اگر نقطه باد باشد دوستی باشد و باد ۴ دوستی و باد ۴ بخانه
 ع باید رفت اب ۴ بخانه ۴ باید رفت و این معنی را نیک دریاب
 مثال دیگر در دو نقطه نیک بفهم مثال در خانه اول انش و دو
 ۴ عمده پس ۲ یان و ۲ و انش ۳ و انش ۴ باشد
 و اینجا حساب دور از طریق گرفته باز میگرد و قاعده اینست که
 اینجا را بالا آورده بهمان مرتبه از نشیب ببالا رود و از آنهای
 که از طریق بازگشته احکام بیان کند و این مسایل را نیک دریاب

و بداند ۱۰ عدد دارد و هر نقطه از و نیز ده عدد خارج مثل
 الش در ۱۰۴ عدد است و باد در اول که دهم چهارم است م
 ۱۰ عدد دارد چرا که دور از دوازده نمیکند و از دوازده بادل
 می آید تا واضح باشد و اب از پنجم که رفته در ۱۰۲ عدد دارد و
 خاک از ۶ که رفته در سوم ۱۰ عدد خارج دیگر بیاید دانست
 که سوت در مل همچون خانهای هجوم تا ۱۲ خانه اعتبار دارد و ان
 ۴ دیگر شواهد و نواظر است و مقدر است که اول و ۱۱ و ۱۳
 کناری اند و ۲ و ۶ و ۱۰ و ۱۴ بادی اند و ۳ و ۷ و ۱۱ و ۱۵
 ۴ و ۱۲ و ۱۶ خالی اند پس انش اول راوند گویند و انش ۷ مایل وند
 گویند و انش ۹ نایل وند گویند و همچنین باد ۲ وند و ۶ مایل وند
 و ۱۰ نایل وند و اب ۳ وند و اب ۷ مایل وند و اب ۱۱ نایل وند
 خاک ۴ وند و خاک ۷ مایل وند و خاک ۱۲ نایل وند و از نادقوی
 و غریز و لطیف و شریف است و حکم حال از و کنند و مایل و سط
 این امور است و حکم مستقیل کند و نایل صغف و خیس و
 کثیف و ذلیل است و حکم ماضی از ان کنند و چون نامل رود در